

اسرائیل تجاوزگر، این پایگاه امپریالیسم، نابود باید گردد

صهیونیسم از ابتدای پیدایش بر ضد منافع ملی ایرانیان بوده است. انقلاب اسلامی ملت ایران هیچ اندیشه نژاد گرایی را تحمل نخواهد کرد. در صفحه چهارم

«آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را بعنوان روز «قدس» انتخاب و طی مراسمی، همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین نمایند»
امام خمینی

خیزش طوفانی مردم، «ایران» را به خود آورد.

پرچم انقلاب مشر و طیت بر شانه های همه مردم ایران قرار داشت.

همه به آواز بلند می گفتند «زنده باد ملت ایران»

فرزند کعبه در محراب شهادت

تیغ حلمت جان ما راجاک کرد
آب علمت خاک ما را پاک کرد
(مولوی)

ماه مبارک رمضان، ماه رحمت و برکت خداوندی، ماه نزول کلام الله مجید، برای امت بزرگ اسلام بیش از همه ماه های سال شکوهمند، دینی پیدا کرده است
بقیه در صفحه دوم

چرا به المپیک مسکو نرفتییم؟
اعتراض قهرمانان بعضی از کشورها به اشغال افغانستان
در صفحه پنجم



گروهی از مجاهدان انقلاب مشروطیت

بلوغ سیاسی خود را آشکار کنیم

نخست وزیر ایران باید صرف نظر از وابستگی های حزبی برگزیده شود

کار تعیین نخست وزیر کشور به دشواری های تازه گرفتار آمده است و رئیس جمهور پس از یکمرتبه رایزنی طی نامه ای «اخذ تمایل نسبت به نامزد نخست وزیری را بیوجه» دانست و قرار شد برای تعیین صلاحیت نامزدهای نخست وزیری کمیسیونی تشکیل گردد. این کمیسیون باید، داوطلبان نخست وزیری را ارزشیابی و فهرستی از آنان را که برای اینکار مناسب می باشد تهیه کند، تا ریاست جمهور و مجلس برگزینش یکی از آن میان توافق نمایند.

ما امیدواریم که این شیوه به ثمر برسد و شخصیت شایسته ای برگزیده شود، تا نظام حکومتی ایران را سروسامانی بخشد.

بر این شیوه گزینش نخست وزیر، یا هر شیوه دیگر، هیچ ایراد و گفتگویی نمی توان داشت، چرا که نخست وزیر در هر حال، بر اثر گفتگو و تبادل نظر، باید تعیین شود، چه در قالب کمیسیون مشخص و سازمان یافته ای باشد و چه در قالب رایزنی های حضوری تصمیم گیرندگان، هیچ تفاوتی ندارد و هر راهی که آنها را به توافق برساند پذیرفتنی می باشد.

آنچه در این میان نگرانی آور است، کندی حیرت آور کار و تردیدهایی است که دست اندر کاران نسبت به نظرهای یکدیگر دارند. شیوه برخورد دست اندر کاران با مسئله تعیین نخست وزیر، بی هیچ گفتگو، نشان دهنده آن است که همه ایشان نسبت به برداشتهای هم با دولتی نمی نگرند و نشان دهنده آن است که دست اندر کاران، نخست وزیری می خواهند وابسته به خودشان، راست است که هر کدام از گروهها و مقام های تصمیم گیرنده، شرایطی عنوان میکنند تا بر اساس آن نخست وزیر برگزیده شود، ولی از پس همه این اظهار نظرها و همه این شرایط، به خوبی می توان دریافت که هر گروه میکوشد، شخصیتی را که وابسته به خود باشد بر مقام نخست وزیری به نشانند.

اینهمه کوشش برای تعیین نخست وزیری وابسته به خود، مردم را بدین باور رانده است که دست اندر کاران موقع دشوار کشور را در نمی یابند و نمی دانند چه خطر را در پیرامون ایران کمین کرده است.

در شماره گذشته «آرمان ملت» گوشه ای از خطرهایی که حیات و هستی ما را تهدید میکنند باز نمودیم و اینک بی آنکه در مقام برشمردن خطرها باشیم، از سر ناگزیری، برای چندمین بار، یادآوری می کنیم، که کار تعیین نخست وزیر را باید از هرگونه فرقه گرایی جدا داشت. باید آگاه ترین و تواناترین شخصیت وفادار به انقلاب اسلامی ملت ایران را یافت و چرخاندن چرخ دستگاه اداری و سیاسی کشور را بدو سپرد و وی را در اجرای برنامه های سازندگی با همه نیرو، یاری داد.

بقیه در صفحه دوم

نقش برجسته روحانیت در انقلاب مشروطیت در وابستگی، هیچ دگر گونی بنیادی تحقق نخواهد یافت.

جامعه بوده است. با اینکه اعتقادات مذهبی و شیوه آموزش و نحوه زندگی فردی و اجتماعی این گروه فرهنگی را از دیگر گروه های اجتماعی ممتاز میکرد، اما هیچگاه حالت «کاست اجتماعی» بوجود نیامد و متعلقان به آن همگام می توانستند «تحرک» داشته باشند یعنی هم دیگران را بقیه در صفحه سوم

تکلف با یکدیگر قرار میدهد. این گروه به علت های گوناگون بودن خاستگاه های اجتماعی خصلت «طبقاتی» مسلط پیدا نکرد و بسیاری از بررسی های تاریخی نشانگر آن است که گرایش غالب آنان بسوی تهیدستان و گروه های زیر سلطه

در اسلام و تحولات سازمانی آن بطور اعم و در مذهب شیعه بطور اخص سلسله مراتب روحانی به صورت موجود در برخی ازادیان و مذاهب دیگر تحقق پیدا نکرده است و این امر بگونه یک عامل بنیادی بر روی هم «روحانیون» را در پیوند کم

تجاوز و حشیانه پلیس امریکا جوانان پاک نهاد ایرانی هیچ خلاقی نداشته اند

در صفحه هشتم

ایران باید با همه نیرو و به یاری مردم به پا خاسته عراق بشتابد.

حرکت های تجاوز گرانه دولت نژاد گرای بعث، زنگ خطر است.

یک برخورد مرزی ویا یک تصادم اتفاقی ناشی از روشهای غیردوستانه تلقی کرد. از این گذشته روزی نیست که گماشتگان دولت بعث عراق در موضعی حساس و تأسیسات نفتی غرب و جنوب کشور دست به خرابکاری یا انفجاری نزنند و حتی از گسترش دامنه این تبهکاریها به مجامع عمومی که مرگ انسانهای بی گناهی را همراه دارد نیز ابائی ندارند. این دزدان بی آرم، ایرانیانی را که سالیان دراز در عراق و در کنار «مشاهد متبرکه» زندگی میکردند به وحشیانه ترین وضع از خانه های خود در آوردند و هستی آنان را که با کار صادقانه در طول سالها بدست آورده بودند ضبط کردند و به شکلی تاثر انگیز به داخل ایران فرستادند. این حمله ها و خرابکاریها و توطئه ها دنباله دار موضوعی است که باید بدان توجه خاص داشت تا قبل از وقوع فاجعه بزرگتری بتوان کشور را آماده خنثی کردن آن ساخت.

تجربه گذشته نشان داده است که دولت بعثی عراق پس از پیروزی انقلاب و واژگونی نظام سلطنتی وابسته به بیگانه در همه دسیسه های علیه میهن ما به نوعی دست داشته و به دستور اربابان خود طبق برنامه حساب شده از هیچ کوششی برای ناپسمان داشتن وضع ایران و کمک به اخلاکگران خودداری نکرده است. بارها گفته و نوشته شده است که دولت نژاد گرای بعث عراق به علت وابستگی های انکارناپذیر به امپریالیست ها و بریدگی از مردم، دشمن شناخته شده بقیه در صفحه دوم

نفتی را سرکوب کرد (روزنامه های دوم ارداد ماه) - بیش از ۱۸ نقطه نفت شهر مورد اصابت توپخانه عراق قرار گرفت، توپخانه ایران پیشروی تانک های عراق را متوقف کرد. (روزنامه های چهارم ارداد ماه) - درگیری در نوار مرزی ایران و عراق از سر گرفته شد. (روزنامه های هشتم ارداد ماه) - عراق حملات خود را متوجه تأسیسات رفاهی شهرهای مرزی ایران کرد، دو تانک متجاوز عراقی مجبور به عقب نشینی شدند (روزنامه های نهم ارداد ماه) - بدینگونه روزی نیست که گزارشی در مورد درگیری های خونین میان مهاجمان عراقی و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب نرسد و بر نگرانیهای مردم نیافزاید. این حرکت های تجاوز گرانه بی دریغی زنگ خطری است بر جدی بودن این مرحله از مبارزه امپریالیسم امریکا به همکاری دولت نژاد گرای بعث عراق علیه انقلاب اسلامی ملت ایران که نمیتوان آنرا

هر روز در روزنامه های صبح و عصر گزارشهای نگران آور پیرامون ادامه فعالیت های خصمانه دولت دست نشانده یعنی عراق علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در غرب و جنوب کشور دیده میشود. بررسی خبرهای چندروزه جرایم بخوبی پیگیری این تجاوز های حساب شده را نشان میدهد. - دو هواپیمای عراقی به حریم فضایی ایران تجاوز کردند یک تکاور مالک اشتر شهید، ۳۱ تن مجروح و ۵ تن به گروگان گرفته شدند (روزنامه های سی و یکم تیر ماه) - تجاوز کردند، ۴ تن از تکاوران در درگیری های مرزی مجروح گردیدند. در وقایع غرب کشور و درگیری های مرزی بیست پاسدار شهید شد. (روزنامه های یکم ارداد ماه) - عراق برای دسترسی به تأسیسات نفتی از ساعت ۹/۵ صبح تا ۹/۵ شب به نفت شهر حمله کرد، قوای ایران از زمین و هوا، تهاجم ۱۲ ساعته عراق به تأسیسات

بیکاری را از میان بردارید، آن را پنهان نکنید

از برابر دشواری فرار نکنید، آگاهانه با آن روبرو شوید

روزنامه انقلاب اسلامی در شماره ۳۱۸ خود به تاریخ پنجشنبه نهم مرداد ماه ۱۳۵۹ زیر عنوان «اولین گام مؤثر برای رفع بحران بیکاری برداشته شد» چنین می نویسد «بنا به گزارش خبرنگار انقلاب اسلامی اخیراً ماده واحده ای مبنی بر استخدام بیکاران در کارخانجات تصویب شورای انقلاب رسیده است. بر اساس این ماده واحده کارخانجات موظف خواهند بود که به مقدار پنج درصد تعداد کارکنان خود از افراد بیکار استخدام نمایند. گزارش خبرنگار ما حاکیست که صبح دیروز به همین منظور جلسهای با بقیه در صفحه دوم

ارگان حزب ملت ایران

فرزند کعبه ...

و برای شیعیان، جهان بویژه ایرانیان بعثت بر خورد هنگامی باشهادت مولای مستقیان علی علیه السلام، هم شکوهند است و هم غم بزرگی رادر خود نهان ساخته است.

تاریخ اسلام در این ماه بایکی از پرآسیبترین ضربتها که از جنایت و خیانت مایه گرفته بود، روبرو گردیده است. زمانی که مکتب ایمان و ایثار با فایز بیکاریهای سیاستگران دنیا پرست، بسوی قدرت مبتنی بر تفرقه و جاهلیت کشانده میشد، فرزند راستین توحید بر مسند خلافت تمام اراده و توان خود را بیکار انداخت تا با زنده کردن احکام قرآن و سنت رسول خدا، کارائی جهان شمول دیانت جدید راز هر نوع شرک و الحاد بدور دارد و درونمایه یکتاپرستی و صدق و عدالت و پرهیزگاری را پاسداری کند.

مسلّم است که این شیوه نه قدرت نوپای خاندان امیه را خرسند میسازد و نه ظاهر گرایان مقدس نما را که از دین فقط بخشهای نهادی آن و نیز گمانهای بی بنیاد خود را می بینند و حرکت و خلاقیت و عمل به عدالت در همه جا و خدای دیدن در همه حال، برایشان حدیث غریب و ناباورانه بشمار میرود.

علی بن ابیطالب (ع) آن مظهر راستین اسلام و آن عدالتخواه پاکباخته که در پهنه انتخاب، تنها راه رسول گرامی رادرست می دانست و تاریخ نیز بر حق بودن آن گزینش را ثابت کرد، پیشرو خود دو خط قدرت و نفاق یا حکومت و تقدس نفاذ می دید که هر دو دست در آستین یکدیگر داشتند و در چنین توطئه هایشان، سرانجام مدعیان مکتب، آنانکه علی (ع) را از اسلام جدا می دانستند، در سامداد نوزدهم ماه رمضان، در محراب مسجد کوفه، شدیدترین ضربتهای جانسوز را بر وی وارد ساختند در حالیکه آن پرهیز گارترین مرد همه زمانها، در حال راز و نیاز با خالق چاره ساز بود.

باینکه نخستین امام شیعیان در روز بیشتر دردنیای مابقی نماند و سرانجام آن باب علم و آن دریای حلم به ابدیت مطلق پیوست اما یادآوری آخرین سخنان، برای همه مشتاقان راه ولایت عبرت انگیز است، زمانیکه آن کسوه پایداری و مردانگی، درد سخت و توان فرسائی را تحمل میکرد، چونان یک انسان برادر با امام و آموزگار، دو فرزند عزیز و همه فرزندان را در حواله نگاه تاریخ آموزش داد که:

مرگ شرافتمند هزار بار از زندگانی ننگین ستوده تر است

بلوغ سیاسی

آنچه در جریان گزینش نخست وزیر پیش آمده، به راستی نگرانی آور است. نگرانی آنکه هنوز هم اندیشه انحصار گرایی همه تلاشهای سیاسی کشور را به بن بست می کشاند.

اینک ماهاها است که نخست وزیر نداریم و بدین لحاظ دولتی توانمند و پرجاذبه نیز نداریم. و کشور در همه زمینهها دچار بی تکلیفی می باشد.

نخست وزیری که اینگونه در تنگنای اندیشه های انحصار گرانه بر گزیده شود، بطور قطع قادر به تصمیم گیری درست نخواهد بود و هر تصمیم چنین نخست وزیری باید از صافی سودهای گروهی بگذرد و هرگز در دایه میهن ما با چنین شیوه کار، درمان شدنی نیست.

نخست وزیری که نه بر اساس آگاهی ها و توانائی های خود، بلکه بر اساس وابستگی هایش به مرکزهای قدرت برگزیده شود، بی گفتگو نخستین وظیفه خود را استوار تر داشتن انحصار گراییهای گروهی می داند. و بر طرف ساختن دشواری های کنونی کشور با رعایت این شرط سازگاری ندارد. در وضع کنونی که کشور به همبستگی ملی نیاز وافر دارد نخست وزیر ایران باید صرف نظر از وابستگی های حزبی برگزیده شود، تا بتواند فشار از هر گونه انحصارگری بردشواری ها که ما رادر میان گرفته غالب آید.

چگونگی برگزیدن نخست وزیر و در پی آن هیئت وزیران و باز کردن میدان کار و عمل برای ایشان، بیانگر اندازه بلوغ سیاسی ما است، که یکی از بزرگترین انقلابهای تاریخ زندگی ملت را پشت سر گذاردیم. اگر هر حزب یا سازمان سیاسی بر پندارهای خود ایستادگی و پافشاری کند، و رای مستین و دریافت درست را فقط از آن خویش بشناسد و هیچ نظر و هیچ شخصیتی را شایسته اعتناء نداند، بی شک کار اداره کشور با دشواری های تازه بر خورد خواهد کرد و به گونه طبیعی تصویری که از دست اندر کاران حکومت در این هنگام سر نوشت ساز در ذهن ها پدیدار می شود، باعث انبساط ناپایان سیاسی مشخص خواهد شد و تاریخ هم آن را به آیندگان باز گو خواهد کرد.

این شیوه کار دست اندر کاران، بر قدر اخلاقی آنها در چشم مردم نیز صدمه وارد خواهد کرد. و ایشان باید بدانند که برای استوار داشتن پایه های حکومت خود، به حرمت اخلاقی بیشتری نیاز دارند.

توسل به شیوه هایی که کاهش قدر اخلاقی نظام حاکم را به بار می آورد، خود دلیل دیگری بر عدم بلوغ سیاسی به شمار می آید.

به کار بستن شیوه های نارسا و ناپخته سیاسی در همچو زمینه حساس و با اهمیت نتیجه هایی در زندگی اقتصادی و اجتماعی به بار می آورد و به جای غلبه ما بردشواری ها، دشواری ها بر ما غلبه خواهند کرد.

بلوغ سیاسی خود را نشان دهیم، به واقعیت های ناگواری که ما رادر میان گرفته بیندیشیم و دولتی بر سر کار آوریم که توانائی راهگشائی و دوران سازی داشته باشد که اگر جز این کنیم بر کشور خود و هم بر انقلاب خود ستمها روا داشته ایم.

بیکاری را از میان بردارید

شرکت سیدعلی ستاری پور معاون اشتغال و بهره روری وزارت کار، سرچی از کارشناسان این وزارت و تنی چند از مدیران کارخانجات در محل دفتر وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل شد. در این جلسه اطلاعات لازم در زمینه بحسوه استخدام افراد بیکار به مدیران واحدهای تولیدی داده شد. لازم به یادآوری است که در این طرح استخدام افرادی که نام آنها در صورت اسامی بیکاران موجود در وزارت کار میباشد نسبت به سایر بیکاران اولویت خواهند داشت.

پیش گرفتن چنین رویه ای در دوزمین اشتغال و مدیریت صنعتی به هیچ روی درست نیست و این چنین تصمیمی را هم به دشواری می توان گام مؤثری برای رفع بحران بیکاری تلقی کرد.

با اجرای تصمیمهایی از اینگونه، بحران بیکاری رفع نمی شود، بلکه تغییر شکل مییابد و بیکاری آشکار به بیکاری پنهان تبدیل می شود.

تبدیل کردن بیکاری آشکار به بیکاری پنهان نختها گام مؤثر برای رفع بحران بیکاری نمی باشد بلکه گامی است در جهت برهم ریختن نظم کارگاههای صنعتی.

تحمیل کردن افراد به کارگاهها بی آنکه کاری برای آنها در کارگاه باشد، در داخل کارگاه و در رابطه کارکنان و مدیریت دشواری ها و درگیریها پدید خواهد آورد.

رفع بحران بیکاری به معنای قراردادن نیروهای کار در راستای تولید است و دور ماندن بی روی کار از تولید، به هر شکل و هر حالی که باشد، بیکاری است.

بیکاری در داخل کارگاه و خارج کارگاه، با هم تفاوت ندارد و تحمیل کردن نیروی کار بدون دانش ریمه تولید، به کارگاهها، در حقیقت گرفتن نوعی مالیات و درهم ریختن نظم روابط کار در کارگاهها است.

تحمیل کردن افرادی به کارگاهها، ریز پوشش از بین بردن بیکاری هیچ توجیهی ندارد زیرا کارگاههای ما، بر اثر نادرستی شیوه های اداره در گذشته، در وضعی قرار دارند که حدود بیازمندان حمایتانند و تحمیل کردن بر آنها هیچ دشواری را بر طرف نمی کند.

هنگامیکه حکم میگردد هر کارگاه بدون داشتن نیاز بر شمار کارگران خود بپردازد، و در این حکم وضع مالی و شمار کارکنان کارگاه، و اندازه تولید، و بازار فروش فرآورده های آن، در نظر گرفته میشود، در حقیقت بی توجه به توانائی مالی کارگاهها، آنها را به پرداختهای تازمای وادار ساخته اند.

شاید اگر همه کارگاهها با ظرفیت کامل (صد درصد) کار می کردند و همه کارکنان آنها، بازدهی کامل و کافی (صد درصد) بر دیکر به آن می داشتند، صادر کردن چنین حکمی، میتوانست گونه ای نوحه در بر داشته باشد.

ولی میدانیم که کارگاههای ما، در چنین وضعی قرار ندارند و بسیاری از کارگاههایی که کمتر از ظرفیت خود تولید میکنند، از میزان کارائی کارگاهها، آمار روشن در دست نداریم ولی با تکیه به قرینها و گفتارهای پراکنده کار بدستان میتوان دریافت که بسیاری از کارها با ظرفیتی حدود پنجاه درصد و حتی کمتر از آن کار می کنند و تحمیل کردن افراد تازه به این کارگاهها، چه حاصلی جز پریشانی بیشتر کارگاه میتواند به بار آورد.

از گوشه و کنار شنیده میشود که دولت به لحاظ کمک به کارگاهها در صدد است که از حق بیمه آنها به کاهد و شاید هم تاکنون تصمیمهایی در این ریمه گرفته شده باشد.

از یک سو کمک کردن به کارگاهها از سوی دیگر وصول مالیات بدون توجه به توانائی مالی کارگاه، نشان سردرگمی است و نشان آن است که کار بدستان توانائی یافتن راه حل مناسب و همه جانبه برای بر طرف کردن دشواریها را ندارند.

بسیاری از کارگران به لحاظ آنکه بعد از انقلاب گرفتاری و مزاحمتی برای دولت ایجاد نکنند، تا آنجا که می توانستند از مراجعه به آن خودداری می کردند، و چون دریافته بودند که برای این تصمیم هم ناروا است و در فرستادن بیکاران به کارگاهها، دست کم مییابد نوع کار کارگاه، و تخصص کارگران به کارگاه، و تحمیل کردن کارگران به کارگاهها اگر کارگر به کارگاه فقط بر اساس اینکه بیشتر در وزارت کار ثبت نام نموده هیچ توجیهی ندارد.

بسیاری از کارگران به لحاظ آنکه بعد از انقلاب گرفتاری و مزاحمتی برای دولت ایجاد نکنند، تا آنجا که می توانستند از مراجعه به آن خودداری می کردند، و چون دریافته بودند که برای این تصمیم هم ناروا است و در فرستادن بیکاران به کارگاهها، دست کم مییابد نوع کار کارگاه، و تخصص کارگران به کارگاهها، و تحمیل کردن کارگران به کارگاهها اگر کارگر به کارگاه فقط بر اساس اینکه بیشتر در وزارت کار ثبت نام نموده هیچ توجیهی ندارد.

ایران باید با همه نیروها ...

انقلاب اسلامی ملت ایران می باشد و حکومت ملی وظیفه دارد بی هیچ سازشکاری تکلیف خود را هر چه زودتر با آن یکسر کند. امام خمینی که همواره برای پیشبرد انقلاب ایران رهنمودهای بهنگام داده اند در اوج زشتکاریهای دولت نژاد گرای بعث نسبت به مردم عراق و بالا گرفتن توطئه های علیه ایرانیان در پیام بیستم فروردین ماه ۱۳۵۹ خود اظهار داشتند رژیم منحوس بعث که خود را برای معارضه با اسلام و مسلمین آماده نموده با پدید آمدن که در اشتباه است و ملت مسلمان ایران و عراق سردمداران آنان را به جای خودشان می نشانند و آنان را از صحنه خارج و بدست فراموشی تاریخ می سپارند.

صدام حسین که با ملت شریف عراق مواجه شده است و خود را در معرض هلاک می بیند، میخواهد با صحنه سازیها اذهان برادران اسلامی ما را از خود و رژیم منحط خود منصرف کند.

در پایان این پیام تاریخی آمده است «برادران عرب ما بدانند که ملت عزیز ما با دشمنان آنان که در رأس آنها رژیم منحوس بعث است دشمن و با دوستان آنان دوستند و در مصیبتهایی که آنان از آن رژیم فاسد می کنند، شریکند، به امید آنکه رژیم بعث چون رژیم شاهنشاهی به زباله دانی تاریخ افکنده شود.»

نامه آرمان ملت در بیست و ششم فروردین ۱۳۵۹ در نوشتاری زیر عنوان «رهائی عراق رسالت انقلاب اسلامی ملت ایران است، حکومت نژاد گرای بعث را سرنگون باید کرد و نظر حزب را چنین ابراز داشت: «ملت بسیا خاسته ما که به رهبری امام خمینی انقلاب خود را در مسیر نیسنند امریکای جهانخواه قرار داده است در اولین حرکت دولت پوشالی و استعمار ساخته عراق را نابود خواهد کرد و مردم زیر ستم این کشور را آزاد خواهد کرد و برای همیشه به بریدگیهای فرهنگی و تاریخی این گوشه جهان پایان خواهد داد.

ملت ما به دلیری مردم عراق چه سنی و چه شیعی چه کرد چه عرب اعتماد فراوان دارد و ...

که ساکنان این منطقه بر برکت زمانی که خواهند بهر کاری توانا هستند و از این رو بدببال پیام آنتشین امام خمینی به سلحشوران دجله و فرات این فرزندان پر شور بین الهمین، مردم ایران مشتاقانه در انتظارند تا سال ۷۰، سال نابودی رژیم بعثی عراق و سال آزادی همیشگی مردم ایران باشد.

استمرار دسیسه های همه جانبه دولت نژاد گرای بعث عراق، سبب شد که امام خمینی با لحن قاطع تری در سخنان تاریخی خود در پنجشنبه بیست و هشتم فروردین ماه ۱۳۵۹ گفتند «ملت ما موافق ما هستند و آنکه مخالف با ماست دولتها و امثال دولتها هستند مثل دولت عراق، دولت عراق از اول هم دولتی نبود... دولتی است که یک عده نظامی آمدنند و دور هم نشستند و خودشان هر چه میخواهند میکنند با مردم هم هیچ

است. نیروی کار را به مصرف کشنده تبدیل ساختن و به کارگاهها تحمیل کردن، با شرایط اقتصاد رشد پیانده تطبیق نمیکند. و تصمیم اتحاد شده با هیچیک از معیارهای سلامت اقتصادی و اجتماعی در صعب سازگار نیست.

سرایای میهن ما را ریمه های مساعد کار حلقه فر گرفته و همه شرایط برای طرح و اجرای برنامه های سازندگی فراهم است و نیازی به سرگرم ساختن نیروی کار، و از بسرابر دشواری گسریختن نمی باشد.

از برابر دشواری اشتغال فرار نکنید. اشتغال با سرگرم ساختن تساموت دارد، اشتغال به معنای شرکت در فراهم آوردن نیازهای کشور است، اشتغال به معنای ساختن زمینه سرور و رشد استعداد های حلقه همه نیروهای کار است، اشتغال را با کارهای خیریه نباید اشتباه گرفت.

نیروی کار باید در راه سارندگی و آبادانی و کشور به کار گرفته شود، بی حاصل گزاردن نیروی کار، به معنای تعطیل کردن سازندگی و آبادانی کشور

آگاهانه با آن روبرو شوید و با شناخت همه شرایط و امکان ها، برای از میان برداشتن آن برنامه ریزی های اساسی بعمل آورید.

دشواری بیکاری از آنگونه دشواری ها نیست که بتوان بر آن سرپوش گذاشت و با تدبیرهای پراکنده و یا با توسل به «زور» نیز حل شدنی نیست.

رفع این دشواری آگاهی های سرشار اقتصادی و اجتماعی لازم دارد. ان آگاهیا را از نظام اداری ایران نتوانید. آنها را بسپح کسبید و در راه زدودن پیشرفت کشور به کار بگیرید.

همرزم ارجمند دکتر سعید آل آقا با ندوه فراوان در گذشت مادر گرامیتان را تسلیت می گوید. دبیر خانه سازمان شهرستان تهران حزب ملت ایران

نظم و کار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب

نقش برجسته روحانیت در انقلاب مشروطیت

بر جمع خود بیافزایند و هم در صورت تمایل از گروه خود خارج شوند.

روحانیت شیعه که «سبب» و انتخاب جمعی «اقبال عامه» در کردارهای اجتماعی آن کارساز بود و نه «نسب» و انتخاب جمعی «اقبال عامه» در کردارهای اجتماعی آن کارساز بود و نه «نسب» و انتصاب، نسبت به حکومت و نهادهای سیاسی جامعه نمیتوانست در دراز مدت بی‌تفاوت بماند و چون اعتقاد داشت که حاکمیت مطلق از آن «خدا» است و او را «احکم الحاکمین» از طریق «ولسی» میدانست که در زمین بساط عدالت می‌گستراند، پس به حکومت‌های موجود یا «حقانیت» نمیداد و یا با قبول حکومت امامان بر حق که مجریان عدالت هستند، حاکمان زمان را ستمگر «حق‌الله» دانسته و آنان را در زمره «ظلمه» قرار میداد.

پیوندهای اقتصادی روحانیت شیعه با مردم جامعه بود و بعثت دوری از همه نهادهای حکومتی، اداره مالی این سازمان معنوی و ارشادی در رابطه با «مومنان» انجام پیدا میکرد و بزبان دیگر تعهد و مسئولیت روحانیان فقط در برابر خدا و مردم بود.

از سوی دیگر مردم مبین ما که طی دورانهای تاریخی زیر سلطه کانونهای قدرت چه سیاسی و چه اقتصادی قرار داشتند، «روحانیت» را بعنوان پناهگاه خود پذیرفته بودند و در این باب، یعنی مقاومت در برابر ارباب زور و زر، با روحانیت راستین «مجموعه» میدادند، به بیان دیگر تشیع و وجدان مذهبی و مردم و وجدان اجتماعی نوعی یگانگی بوجود آورده بودند که وحدت ملی ایران را تضمین میکرد.

پس از سقوط حکومت صفوی بگونه دولت متظاهر به شیعه، و پایان یافتن هفتاد سال دوره آشوب و هرج و مرج، سه جریان در ایران چشمگیر گردید:

۱- شکل یافتن مجدد مکتبی و سازمانی روحانیت (تاسیس حوزه‌های علمی مستقل و رونق تعلیمات و کوشش‌های مذهبی در عتبات عالیات).

۲- پایگیری سلطنت قاجار (گرفتن حکومت از ایلات و عشایر و ایجاد وحدت سیاسی نه با روحانیت و نه بر ضد روحانیت)

۳- آغاز سلطه‌گری استعمارگران اروپائی در ایران (بکار بردن شیوه‌های مختلف و سرانجام قرار گرفتن نهادهای سلطنت و حکومت در پناه آن)

در رابطه با این جریانها و وجود زمینه‌های تاریخی برشمرده پیوند علما و مجتهدان با مردم، باید پیکارهای سیاسی را در ایران دوره قاجار بویژه دوره مشروطیت مورد بررسی قرار داد و ویژگی وجدان ملی ایرانیان را در رابطه با آموزشهای شیعی بازشناسی کرد و براساسی دریافت چرا روحانیت بعنوان مظهر و

میخواست (استقلال و آزادی و عدالت) در اندیشه و گمان روشن بود، اما از لحاظ سازمانی وضع مشخصی نداشت و در نحوه تحقق و عمل با ناکامی روبرو گردید و بی‌شک دشواریها و نارسائی‌های بعدی از همین جا نشأت میگیرد.

ستم دولت عین‌الدوله و بارزگان، بازار تهران را به روحانیت بردیگر ساخت، نزاع طلاب مدرسه‌های صدر و محمدیه بحرک حکومت و جناح استبداد دینی و دستگیری و تبعید آنان روابط روحانیت را با مردم استوارتر کرد.

پیدا شدن تصویر نور بلژیکی که سخت مورد نفرت استقلال‌طلبان بود، با لباس علما در مجلس رقص «سالماسکه» بگونه ضربتی بر جدول ارزشهای مردم تلقی گردید و نخستین بست در حضرت عبدالعظیم را بتاريخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ بوجود آورد.

رفتار حکمرانان استبدادگر در ایالات و ولایات بر صد علما و مجتهدان که در سالهای قبل، پیشتر بی‌جواب می‌ماند، اندک در رابطه با اعتراض روحانیان تهران و احساس همبستگی دینی و ملی معای جدید پیدا کرد و اعتراضها برانگیخت و خود به انسجام و حرکتهای مردمی در تهران قوام بیشتری داد بطوریکه در بیست و پنجم ماه رمضان ۱۳۲۳ قمری دو روحانی بزرگ و محترم تهران، آیت‌الله سید محمد طباطبائی و آیت‌الله سید عبدالله بهیبهانی با یکدیگر ائتلاف کردند و این امر توان ایستادگی مردم را بالا برد.

آغاز ساختمان بانک روس در رهین وقتی که در سابق گورستان مسلمانان بود، جرقه‌های پیکارهای خود جوش جامعه را آشکار ساخت.

کنت خوردن بازاریان در چهاردهم شوال ۱۳۲۳ قمری به این پیکارها شتاب بیشتری داد.

سخنرانی سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی در مسجد شاه و دسیسه امام جمعه در برهم زدن آن اجتماع عظیم خط‌ها را مشخص‌تر کرد و حتی در میان روحانیان هم معلوم شد چه کسانی در حقیقت «ضد استبداد» هستند.

رفتن مجدد علما و مجتهدان همراه مردم باایمان تهران به حضرت عبدالعظیم، نخستین خواست روحانیت را بگونه یک امر مشخص، برملا ساخت «تاسیس عدالتخانه».

این خواست که نشان دهنده وجود ستم‌های فراوان در جامعه است، در ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۳ از سوی مظفرالدین شاه پذیرفته شد اما معلوم نبود این «نهاد» جدید به خواست علما چگونه پاسخ میدهد و سیاستگران که همگامی با علما را پذیرفته بودند، از عدالتخانه چه برداشتی، خواهند داشت.

عین‌الدوله در تاسیس این «نهاد» آنقدر تعلل کرد تا مردم زیر ستم که عصیان کرده بودند» گام فراتر نهادند و از سوی

آیت‌الله طباطبائی مجلس مشور تخانه ملی خواسته شد. دولت استبدادی که عدالتخانه را نپذیرفته بود، بی‌شک در ایجاد چنین مجلسی، هیچ توافقی نمیتوانست داشته باشد و بهمین دلیل تضاد مردم برهبری روحانیت با دولت استبدادی برهبری عین‌الدوله بالا گرفت.

در هیجدهم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ بدنبال توقیف شیخ محمد واعظ و قتل طلبه جوانی بنام سید عبدالحمید، کشمکش فزونی یافت و مهاجرت بزرگ قم در بیستوسوم همان ماه پیش آمد که اثرهای اجتماعی و مذهبی آن در سرتاسر ایران جنبوجوشهای فراوانی بوجود آورد و کار آن‌سان بر استبدادیان سخت شد که در هفتم جمادی‌الآخری عین‌الدوله، آن صدراعظم مستبد قاجاری استعفاء داد و در بیست‌هفتم همان ماه با تعهدات عضدالملک قاجار به مهاجران قم، روحانیان و مردم مبارز، پیروزمندانه وارد تهران شدند و فرمانهای «مشروطیت» و «مجلس مستخین ملت» همزمان از سوی شاه انتشار یافت و آنچه را که روحانیت از مدتها برای تحققش پیکار میکرد، بوجود آمد.

براستی علما و مجتهدان با بکار ابداع اندیشه‌های خود در پیوند با فرهنگ و آموزشهای اسلامی و انتخاب شیوه‌های مردمی و سنتی الهام‌دهندگان این نهضت بنیادین ایرانی بودند و براساسی تا خراب کردن بیادهای سلطنت استبدادی ریزر سلطه‌ی بیگانه در تمام حرکتهای و تصمیم‌گیریها حضور داشتند اما در تحقق سازمانی مشروطیت اندک اندک از صحنه‌ی بدور افتادند و با اینکه تحلیل قانون اساسی و متمم آن از نمود آنان حکایت میکند ولی در عمل سیاستگران سودجو و گروه‌های وابسته از جمله «فراماسونها» پیشی گرفتند.

با ازجمندی فراوانی که چند دوره مجلس شورای ملی از جمله مجلس اول داشت و با اینکه شرکت «مجتهدین طراز اول» در مجلس‌ها پیش‌بینی شده بود، اما در شصتوپنجم کابینه مشروطیت تا سلطنت رضاخان، جنگ میان قوه مقننه و قوه مجریه برقرار ماند و روحانیت که بتفکیک آن دو قوه و دادن اعتبار به قوه مقننه طبق موازین شرعی و نیات برخاسته از انقلاب تمایل نشان میداد کوشش‌هایش فایده چندانی نداشت.

روشنگریهای مرجع عالیقدر حاج شیخ محمدحسین نائینی و یاران و شاگردانش و تلاشهای پی‌گیر و صمیمانه سیدحسن مدرس و پیکارهای منطقه‌ای دیگر چون قیامهای شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچک خان، هیچکدام نتوانستند، نهال آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی مردم ایران را از زیر سلطه حکومت و سلطنت که اندک اندک با ادغام در یکدیگر و پوشش نظامی بروی صحنه می‌آمد، پاسداری نمایند

بطوریکه در دوره رضاخان و پسرش، جز چند استثنا در تهران و برخی شهرستانها در رابطه با بعضی شخصیت‌ها و نیز دوره هفدهم مجلس بهنگام زمامداری د کتر مصدق، هیچگاه نماینده‌ای برخاسته از ملت به مجلس راه نیافت تا در باره آرمانهای مردمی سخن بمان آورد.

از مشروطیت شکلی باقی ماند و در و نمایاش، چنان آمیخته با رفتارهای استبدادی بود که مردم ایران به آن حقانیت لازم را ندادند و در نخستین حرکت انقلابی خود، این نهاد را بگونه یک صحنه بازی دموکراسی، نابود ساختند.

اکنون بروشنی میتوان به ثمر نرسیدن خواست استقلال را

آنگهی حصر وراثت

خانم صفرا عربزاده قهبازی بشناسنامه ۲- اردستان شرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۶۱۳ این شعبه توضیح داده شادروان امامقلی عربزاده قهبازی بشناسنامه ۳۹۹ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ در گذشته وراثت حبس‌السفوت مرحوم عبارته از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ۲- سبیده عربزاده قهبازی به شناسنامه ۳۰۳۰ صادره از تهران ۳- زهره عربزاده قهبازی به شناسنامه ۲۹۹۳۱ صادره از تهران دختران متوفی ۴- سعید عربزاده قهبازی به شناسنامه ۶۹۲۳ صادره از تهران ۵- کاظم عربزاده قهبازی به شناسنامه ۶۵۰ صادره از تهران ۶- وحید عربزاده قهبازی به شناسنامه ۶۶۶۸ صادره از تهران پسران متوفی ۷- فاطمه عربزاده قهبازی به شناسنامه ۳۹۷ صادره از اردستان مادر متوفی ورتسه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی بکمرته در روزنامه محلی آنگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته برد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آنگهی سدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

م- الف ۱۰۷۵۰

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف

پرونده ۷۵/۱۵۸-۱ (آنگهی اصلاحی)

پیرو آنگهی‌های شماره ۵۴-۵۸/۱۱/۳۰ و ۵۸/۱۲/۲۸-۵۸/۱۱/۳۰ منتشره در روزنامه اتحاد بزرگ و آنگهی شماره ۳-۵۹/۱۲/۲۶-۵۹/۱۲/۲۶ منتشره در روزنامه آرمان ملت اشعار میدارد که ورثه مرحوم عزیز شهبازی برادران و خواهران ابونبی هستند که اشتباهاً فرزندان متوفی اعلام گردیده مراتب بدینوسیله تصحیح میگردد.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران- احدی

آنگهی تغییرات و افزایش سرمایه شرکت خدمات کشاورزی و آبیاری ایران پلی پلاسیم بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۰۳۲۴

باستناد صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۵۹/۳/۱۸ تغییرات زیر در شرکت فوق بعمل آمده است الف- جمله «اجراء کلیه عملیات راه و ساختمان و تاسیسات» بموضوع شرکت اضافه شد، ب- آقایان مسعود روشن ضمیر ملایر و بهروز مهاجر جاسبی برداریافت کلیه سهم الشرکهای خود از شرکت خارج گردیدند، ج- آقایان مهندس محسن زهتابچی فرزند احمد بشناسنامه شماره ۵۶۱ از پروچرد باپرداخت یک میلیون و هفتصد هزار ریال بصندوق شرکت سهم الشرک خود را به دو میلیون و پانصد هزار ریال افزایش داد و آقای مهندس مسعود تفرشی فرزند یوسف بشناسنامه شماره ۱۳ از تهران، مهندس سیروس اهرنجانی فرزند عباس بشناسنامه شماره ۶۲۴ از بندر انزلی فرزند ابراهیم و آقای علی تاجی پور بشناسنامه شماره ۱۹۷۰ فرزند غلامعلی به ترتیب باپرداخت دو میلیون و پانصد هزار ریال چهار صد هزار ریال و دو میلیون و پانصد هزار ریال و دو میلیون و یکصد هزار ریال بصندوق شرکت در ردیف شرکاء قرار گرفتند و در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال به مبلغ ده میلیون ریال افزایش داد و میزان سهم الشرک که شرکای فعلی بشرح فوق میباشد د- آقای مهندس محسن زهتابچی بسمت مدیرعامل آقای دکتر اسماعیل پوربزرگی لنگرودی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقایان مهندس سیروس اهرنجانی و مهندس مسعود تفرشی بسمت اعضاء هیئت مدیره و آقای مهندس علی ناجی پور بسمت بازرس شرکت تعیین گردیدند و کلیه اسناد و مدارک تصدور شرکت بامضای هیئت مدیره و کالتنا و با مهر شرکت حق امضاء دارند، ه- مرکز شرکت به بلوار کشاورز ساختمان ۱۱۲ طبقه سوم انتقال یافت.

م- الف ۱۰۶۴۸ اداره ثبت شرکتهای و موسسات غیر تجاری تهران

در آن حرکت تاریخی بازیابی کرد و آسیب‌های اساسی را که بر مشروطیت ایران وارد شد در آن رابطه دانست. بی‌شک اگر به این نیاز ملی در دوره جدید حیات پارلمانی ایران، کم‌بها داده شود و اگر نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت ضدامپریالیستی خود را پایان نبرد، اگر استقلال کامل و همه جانبه ایران در رابطه با آزادیهای فردی و اجتماعی مردم حاصل نشود، مجلس‌های آینده نظام جدید نیز در پیوند با قوه مجریه، در خط وابستگی و بی‌محتوا شدن باقی خواهد ماند، چه استقلال خمیرمایه همه حرکتهای سازنده جامعه است و در وابستگی از هر نوع و بهر سو هیچ دگرگونی بنیادی تحقق نخواهد یافت.

آنگهی حصر وراثت

آقای بایرام علی بخش پور کله‌خانه بشناسنامه ۵۰۶۴۵-۵۰۶۴۵-۱۶۲۹ این شعبه توضیح داده شادروان بهمن بخشی پور کله‌خانه بشناسنامه ۳۱۰ در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۹ در گذشته وراثت حبس‌السفوت مرحوم عبارته از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- داود بخشی پور کله‌خانه به شناسنامه ۱۱۲۸ صادره از تهران پسران متوفی ۳- فاطمه بخش پور کله‌خانه به شناسنامه ۵۰۶۴۶ صادره از تهران ۴- اقدس بخش پور کله‌خانه به شناسنامه ۱۱۷۲ از تهران ۵- کوبک بخشی پور کله‌خانه به شناسنامه ۲۲۹ صادره از تهران ۶- حمیده بخشی پور کله‌خانه به شناسنامه ۱۳۷۱ صادره از تهران دختران متوفی ۷- زهرا راستی کله‌خانه به شناسنامه ۲۴۹ صادره از تبریز عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی بکمرته در روزنامه محلی آنگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آنگهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

م- الف ۱۰۷۵۰

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف

پرونده ۷۵/۱۵۸-۱ (آنگهی اصلاحی)

پیرو آنگهی‌های شماره ۵۴-۵۸/۱۱/۳۰ و ۵۸/۱۲/۲۸-۵۸/۱۱/۳۰ منتشره در روزنامه اتحاد بزرگ و آنگهی شماره ۳-۵۹/۱۲/۲۶-۵۹/۱۲/۲۶ منتشره در روزنامه آرمان ملت اشعار میدارد که ورثه مرحوم عزیز شهبازی برادران و خواهران ابونبی هستند که اشتباهاً فرزندان متوفی اعلام گردیده مراتب بدینوسیله تصحیح میگردد.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران- احدی

آنگهی تغییرات و افزایش سرمایه شرکت خدمات کشاورزی و آبیاری ایران پلی پلاسیم بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۰۳۲۴

باستناد صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۵۹/۳/۱۸ تغییرات زیر در شرکت فوق بعمل آمده است الف- جمله «اجراء کلیه عملیات راه و ساختمان و تاسیسات» بموضوع شرکت اضافه شد، ب- آقایان مسعود روشن ضمیر ملایر و بهروز مهاجر جاسبی برداریافت کلیه سهم الشرکهای خود از شرکت خارج گردیدند، ج- آقایان مهندس محسن زهتابچی فرزند احمد بشناسنامه شماره ۵۶۱ از پروچرد باپرداخت یک میلیون و هفتصد هزار ریال بصندوق شرکت سهم الشرک خود را به دو میلیون و پانصد هزار ریال افزایش داد و آقای مهندس مسعود تفرشی فرزند یوسف بشناسنامه شماره ۱۳ از تهران، مهندس سیروس اهرنجانی فرزند عباس بشناسنامه شماره ۶۲۴ از بندر انزلی فرزند ابراهیم و آقای علی تاجی پور بشناسنامه شماره ۱۹۷۰ فرزند غلامعلی به ترتیب باپرداخت دو میلیون و پانصد هزار ریال چهار صد هزار ریال و دو میلیون و یکصد هزار ریال بصندوق شرکت در ردیف شرکاء قرار گرفتند و در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال به مبلغ ده میلیون ریال افزایش داد و میزان سهم الشرک که شرکای فعلی بشرح فوق میباشد د- آقای مهندس محسن زهتابچی بسمت مدیرعامل آقای دکتر اسماعیل پوربزرگی لنگرودی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقایان مهندس سیروس اهرنجانی و مهندس مسعود تفرشی بسمت اعضاء هیئت مدیره و آقای مهندس علی ناجی پور بسمت بازرس شرکت تعیین گردیدند و کلیه اسناد و مدارک تصدور شرکت بامضای هیئت مدیره و کالتنا و با مهر شرکت حق امضاء دارند، ه- مرکز شرکت به بلوار کشاورز ساختمان ۱۱۲ طبقه سوم انتقال یافت.

م- الف ۱۰۶۴۸ اداره ثبت شرکتهای و موسسات غیر تجاری تهران

ترکیه رادر چار چوب «وضع ظاهری» زندانی نکنید

اسرائیل تجاوز گر، این پایگاه امپریالیسم، نابود باید گردد

صهیونیسم از ابتدای پیدایش بر ضد منافع ملی ایرانیان بوده است.
انقلاب اسلامی ملت ایران هیچ اندیشه نژاد گرایی را تحمل نخواهد کرد.

سرانجام نظام استبدادی در زمان دکتر اقبال با شناسایی «دوفاکتو» نقاب از چهره خود برداشت و آنچه رسوائی ببار آورد که در پهنه جهانی موجب قطع روابط سیاسی ایران و مصر در دوره عبدالناصر گردید. در آن زمان دولت اسرائیل با تبلیغات سیاسی و فرهنگی بر خورداری از احساس انسانی مردم در رابطه با کشتارهای جنایتکاران نازی در میان برخی از روشنفکران کشورهای رخنه میکرد. در ایران نیز گاه القا می شد که یهودیان ستمدیده جهان در فلسطین گرد آمده اند و «مدینه فاضله» سوسیالیسم را با روشهای «دموکراتیک» بوجود آورده اند. اما بسیار زود، واقعیت این کشور استعمار ساخته آشکار گردید و پانزدهم خردادماه بگونه عطف تاریخی در پیکارهای ایران، اسرائیل را بگونه دشمن اساسی بشکل قشون اجیر شده منطقه باز شناسی کرد. امام خمینی و روحانیت مبارز در این مورد نیز درایت و شناخت و کارائی خود را آشکار نمودند. پس از پانزدهم خردادماه کمابیش خط مردم و دولت استبدادی وابسته به استعمار در رابطه با اسرائیل مشخص گردید و جنگهای «شش روزه» در ماه ژوئن ۱۹۶۷ و یورش وحشیانه و آتش کشیدن خانه های مردم فلسطین دیگر شکی باقی نگذاشت که این «جامعه نظامی» بمنظور درهم ریختن زندگی مردم منطقه و قتل و غارت کشورهای نابودی اسلام و بوجود آوردن تسهیلات سلطه امپریالیسم در جهان سوم تأسیس گردیده است.

حکومت شاه در پناه صهیونیسم و امپریالیسم پیش بفاعلیتهای ضد ایرانی خود نظم داد و گذشته از برنامه ریزی سیاسی و همکاری های اداری و اقتصادی، سازمانهای صهیونیستی تربیت کادرهای ضربتی شاه و تعلیم عناصر ساواک را در ایران و اسرائیل بر عهده گرفتند. شبکه های جاسوسی اسرائیل (موسادوشین بت) و امنیت ایران (ساواک)، زیر نظر سیا بسر کوبی تمام جنبش های رهائی بخش منطقه پرداختند و در تاریخ خاورمیانه دهه سیاهی را بوجود آوردند. امام خمینی در پیام جهادیه دهم رمضان المبارک ۱۳۹۳ هجری دقیقاً به این مسأله اشاره دارند.

«بر عموم دولتهای ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است برای آزادی فلسطین و احیاء مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند، از اختلافات و نفاقهای خانمانسوز و ذلت بار دست بردارند، دست برادری بهم داده صفوف خود را فشرده و

سرانجام نظام استبدادی در زمان دکتر اقبال با شناسایی «دوفاکتو» نقاب از چهره خود برداشت و آنچه رسوائی ببار آورد که در پهنه جهانی موجب قطع روابط سیاسی ایران و مصر در دوره عبدالناصر گردید. در آن زمان دولت اسرائیل با تبلیغات سیاسی و فرهنگی بر خورداری از احساس انسانی مردم در رابطه با کشتارهای جنایتکاران نازی در میان برخی از روشنفکران کشورهای رخنه میکرد. در ایران نیز گاه القا می شد که یهودیان ستمدیده جهان در فلسطین گرد آمده اند و «مدینه فاضله» سوسیالیسم را با روشهای «دموکراتیک» بوجود آورده اند. اما بسیار زود، واقعیت این کشور استعمار ساخته آشکار گردید و پانزدهم خردادماه بگونه عطف تاریخی در پیکارهای ایران، اسرائیل را بگونه دشمن اساسی بشکل قشون اجیر شده منطقه باز شناسی کرد. امام خمینی و روحانیت مبارز در این مورد نیز درایت و شناخت و کارائی خود را آشکار نمودند. پس از پانزدهم خردادماه کمابیش خط مردم و دولت استبدادی وابسته به استعمار در رابطه با اسرائیل مشخص گردید و جنگهای «شش روزه» در ماه ژوئن ۱۹۶۷ و یورش وحشیانه و آتش کشیدن خانه های مردم فلسطین دیگر شکی باقی نگذاشت که این «جامعه نظامی» بمنظور درهم ریختن زندگی مردم منطقه و قتل و غارت کشورهای نابودی اسلام و بوجود آوردن تسهیلات سلطه امپریالیسم در جهان سوم تأسیس گردیده است.

حکومت شاه در پناه صهیونیسم و امپریالیسم پیش بفاعلیتهای ضد ایرانی خود نظم داد و گذشته از برنامه ریزی سیاسی و همکاری های اداری و اقتصادی، سازمانهای صهیونیستی تربیت کادرهای ضربتی شاه و تعلیم عناصر ساواک را در ایران و اسرائیل بر عهده گرفتند. شبکه های جاسوسی اسرائیل (موسادوشین بت) و امنیت ایران (ساواک)، زیر نظر سیا بسر کوبی تمام جنبش های رهائی بخش منطقه پرداختند و در تاریخ خاورمیانه دهه سیاهی را بوجود آوردند. امام خمینی در پیام جهادیه دهم رمضان المبارک ۱۳۹۳ هجری دقیقاً به این مسأله اشاره دارند.

«بر عموم دولتهای ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است برای آزادی فلسطین و احیاء مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند، از اختلافات و نفاقهای خانمانسوز و ذلت بار دست بردارند، دست برادری بهم داده صفوف خود را فشرده و

سرانجام نظام استبدادی در زمان دکتر اقبال با شناسایی «دوفاکتو» نقاب از چهره خود برداشت و آنچه رسوائی ببار آورد که در پهنه جهانی موجب قطع روابط سیاسی ایران و مصر در دوره عبدالناصر گردید. در آن زمان دولت اسرائیل با تبلیغات سیاسی و فرهنگی بر خورداری از احساس انسانی مردم در رابطه با کشتارهای جنایتکاران نازی در میان برخی از روشنفکران کشورهای رخنه میکرد. در ایران نیز گاه القا می شد که یهودیان ستمدیده جهان در فلسطین گرد آمده اند و «مدینه فاضله» سوسیالیسم را با روشهای «دموکراتیک» بوجود آورده اند. اما بسیار زود، واقعیت این کشور استعمار ساخته آشکار گردید و پانزدهم خردادماه بگونه عطف تاریخی در پیکارهای ایران، اسرائیل را بگونه دشمن اساسی بشکل قشون اجیر شده منطقه باز شناسی کرد. امام خمینی و روحانیت مبارز در این مورد نیز درایت و شناخت و کارائی خود را آشکار نمودند. پس از پانزدهم خردادماه کمابیش خط مردم و دولت استبدادی وابسته به استعمار در رابطه با اسرائیل مشخص گردید و جنگهای «شش روزه» در ماه ژوئن ۱۹۶۷ و یورش وحشیانه و آتش کشیدن خانه های مردم فلسطین دیگر شکی باقی نگذاشت که این «جامعه نظامی» بمنظور درهم ریختن زندگی مردم منطقه و قتل و غارت کشورهای نابودی اسلام و بوجود آوردن تسهیلات سلطه امپریالیسم در جهان سوم تأسیس گردیده است.

حکومت شاه در پناه صهیونیسم و امپریالیسم پیش بفاعلیتهای ضد ایرانی خود نظم داد و گذشته از برنامه ریزی سیاسی و همکاری های اداری و اقتصادی، سازمانهای صهیونیستی تربیت کادرهای ضربتی شاه و تعلیم عناصر ساواک را در ایران و اسرائیل بر عهده گرفتند. شبکه های جاسوسی اسرائیل (موسادوشین بت) و امنیت ایران (ساواک)، زیر نظر سیا بسر کوبی تمام جنبش های رهائی بخش منطقه پرداختند و در تاریخ خاورمیانه دهه سیاهی را بوجود آوردند. امام خمینی در پیام جهادیه دهم رمضان المبارک ۱۳۹۳ هجری دقیقاً به این مسأله اشاره دارند.

«بر عموم دولتهای ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است برای آزادی فلسطین و احیاء مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند، از اختلافات و نفاقهای خانمانسوز و ذلت بار دست بردارند، دست برادری بهم داده صفوف خود را فشرده و

سرانجام نظام استبدادی در زمان دکتر اقبال با شناسایی «دوفاکتو» نقاب از چهره خود برداشت و آنچه رسوائی ببار آورد که در پهنه جهانی موجب قطع روابط سیاسی ایران و مصر در دوره عبدالناصر گردید. در آن زمان دولت اسرائیل با تبلیغات سیاسی و فرهنگی بر خورداری از احساس انسانی مردم در رابطه با کشتارهای جنایتکاران نازی در میان برخی از روشنفکران کشورهای رخنه میکرد. در ایران نیز گاه القا می شد که یهودیان ستمدیده جهان در فلسطین گرد آمده اند و «مدینه فاضله» سوسیالیسم را با روشهای «دموکراتیک» بوجود آورده اند. اما بسیار زود، واقعیت این کشور استعمار ساخته آشکار گردید و پانزدهم خردادماه بگونه عطف تاریخی در پیکارهای ایران، اسرائیل را بگونه دشمن اساسی بشکل قشون اجیر شده منطقه باز شناسی کرد. امام خمینی و روحانیت مبارز در این مورد نیز درایت و شناخت و کارائی خود را آشکار نمودند. پس از پانزدهم خردادماه کمابیش خط مردم و دولت استبدادی وابسته به استعمار در رابطه با اسرائیل مشخص گردید و جنگهای «شش روزه» در ماه ژوئن ۱۹۶۷ و یورش وحشیانه و آتش کشیدن خانه های مردم فلسطین دیگر شکی باقی نگذاشت که این «جامعه نظامی» بمنظور درهم ریختن زندگی مردم منطقه و قتل و غارت کشورهای نابودی اسلام و بوجود آوردن تسهیلات سلطه امپریالیسم در جهان سوم تأسیس گردیده است.

حکومت شاه در پناه صهیونیسم و امپریالیسم پیش بفاعلیتهای ضد ایرانی خود نظم داد و گذشته از برنامه ریزی سیاسی و همکاری های اداری و اقتصادی، سازمانهای صهیونیستی تربیت کادرهای ضربتی شاه و تعلیم عناصر ساواک را در ایران و اسرائیل بر عهده گرفتند. شبکه های جاسوسی اسرائیل (موسادوشین بت) و امنیت ایران (ساواک)، زیر نظر سیا بسر کوبی تمام جنبش های رهائی بخش منطقه پرداختند و در تاریخ خاورمیانه دهه سیاهی را بوجود آوردند. امام خمینی در پیام جهادیه دهم رمضان المبارک ۱۳۹۳ هجری دقیقاً به این مسأله اشاره دارند.

استالینی با تأیید حکومت بن گوریون از سوی دیگر علیه مردم ستمدیده فلسطین بد کرداری می کردند، روحانیت اصیل ایران در خط دفاع از مردم فلسطین قرار گرفت. روشنگریهای آیت الله کاشانی و دادن پیام به زبانهای مختلف برای مردم مسلمان جهان و برگزاری میتینگ های بزرگ بسود مردم فلسطین و سخنرانی های سیاسی و تاریخی و انتشار آنها در روزنامه ها، اندک اندک شناخت دقیقتری را از مواضع مردم فلسطین بوجود می آورد.

با رسیدن دکتر محمد مصدق به زمامداری، بحکم خصالت عدالتخواهانه نهضت ملی ایران موضع دیپلماتیک دولت ملی نیز آشکار گردید. وزیر امور خارجه ایران باقر کاظمی روز یکشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی حاضر شد و اعلام کرد:

«دولت ایران دیروز تصمیم خودش را اجرا کرد و ژنرال کنسولگری که در بیت المقدس بود منحل کرد و رسیدگی به کار آنجا را محول کرد به عمان و از این طرف هم دولت مصمم نیست راجع به شناسائی رسمی دولت اسرائیل اقدام دیگری بکند و نماینده های هم از اسرائیل در ایران قبول نکرده و نخواهد کرد».

در توطئه های امپریالیستی بر ضد حکومت ملی، همگام کانونهای ارتجاع و دربار و فراماسونری نیروهای آشکار و پنهان صهیونیستها نیز شرکت داشتند و لژ پهلوی برای آنان بویژه برای بخش های سرمایه داری یهود بصورت ستاد استوار دسیسه های ضد مصدق درآمد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط حکومت ملی، اندک اندک دولت دست نشانده ایران بروابط پنهانی خود با اسرائیل توسعه داد ولی مردم همچنان در دفاع از فلسطینی ها پایدار ماندند و در اکتبر ۱۹۵۷ میلادی همزمان با تجاوز مشترک اسرائیل و فرانسه و انگلیس به کانال سوئز نمایش های سیاسی چشمگیری از خود نشان دادند از جمله حزب ملت ایران گروهی از وابستگان خود را بطور رسمی برای شرکت در نبرد علیه اسرائیل به سفارت مصر که داوطلب می پذیرفت، معرفی کرد.

پس از پایان جنگ آیت الله کاشانی مجلس ترحیمی برای شهیدان پورت سعید در مسجد ارک اعلام کرد که هیأت حاکم و انگولفیل ها و... از یکسو بر ضد مردم فلسطین شمشیر کشیده بودند و جناح چپ موازنه مثبت که به تبعیت از سیاست

بسیاری از وزراء و وکلای فراماسون و سفیران کشورهای خارجی و نماینده رضاخان سردارسیه (نخست وزیر وقت) در آن شرکت نمودند دقیقاً در این زمان سید ضیاءالدین طباطبائی عامل شناخته شده انگلیس در کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی در فلسطین اسلامی مقدمات خریدن زمین های عربی را برای صهیونیستها فراهم می ساخت. ناگفته نماند، گروهی از یهودیان روشنفکر و ایراندوست که پس از انقلاب مشروطیت خط خود را از صهیونیستها جدا کرده بودند، در این دوره همکاری با سیدحسن مدرس را برگزیده بودند شومل حیثم (مشهور به مسیو حیثم) که به نمایندگی مجلس در دوره پنجم نیز رسید همگام با یارانش نه تنها در ضیافت صهیونیستها شرکت نکردند، بلکه در شماره ۹ روزنامه خود (حیثم) بتاريخ ۲۳ اسد ۱۳۰۱ خورشیدی نوشت «بعضی از دوستان علت عدم حضور مرا در جشن استقلال یهود (در صورتیکه موضوع استقلال در بین نبود) سوال نموده اند، علت آنست که نظر باینکه ما از سیاست انگلیس متنفر و این جشن بدست آنها درست شده بود، از حضور در چنین مجلسی خودداری نمودیم».

وی در روزنامه و سخنرانیهای خود علیه صهیونیسم و استعمار بریتانیا غالباً حمله میکرد و در همکاری با مدرس و مخالفت با دیکتاتوری رضاخان تا آنجا پیش رفت که بجرم شرکت در کودتای سرهنگ محمود پولادین دستگیر و زندانی شد و پس از مدتی در ۲۳ آذرماه ۱۳۱۰ خورشیدی تیرباران گردید.

روزنامه ها و مجله های ایرانی از همان ابتدای شروع مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین اخبار کوتاهی را نشر میدادند و گهگاه سخنرانی در مخالفت با «صهیونیست» و دفاع از مردم فلسطین بیان میداشتند اما نوشته هایشان غالباً کم مایه بود و از ناآگاهی های سیاسی و منطقه ای حکایت میکرد و سیاست کلی حاکم بر جامعه نیز در این بود که مردم مسلمان ایران حتی الامکان از وقایع فلسطین بدور باشند.

پایان جنگ جهانی دوم و آغاز نهضت ملی ایران شکل دیگری را بوجود آورد. همزمان با تاسیس دولت پوشالی اسرائیل که جناحهای راست موازنه مثبت (هیأت حاکم ایران، فراماسونها و انگولفیل ها و...) از یکسو بر ضد مردم فلسطین شمشیر کشیده بودند و جناح چپ موازنه مثبت که به تبعیت از سیاست

یهودیان جهان را به آن جا ببرید و خود شما هم شاه آنها بشوید!» (بنتل از سفرنامه) این کار از طریق سلطان عثمانی بطور غیررسمی با نیرنگهای گوناگون بمرحله عمل نزدیک شد بی آنکه روچیلد به مقام پادشاهی برسد! * * *

در دوران انقلاب مشروطیت، یهودیان ایران در حال تردید بودند. سیدجمال الدین واعظ اصفهانی در کنیسه «حاداش» در تهران به منبر رفت و برای «امت موسی» بتفصیل از مشروطیت و آزادی سخن بمیان آورد و کوشید تردیدها را از میان بردارد و با اینکه بر روی هم آن قوم «از قول مسلمانان» گاه «مشروطه خواه» و گاه «ضدمشروطه» شدند و این شیوه در میان خود مسلمانان هم شیوع داشت. اما عده ای از آنها به مجاهدان هم پیوستند. با تصویب قانون اساسی و پس از آن با تصویب متمم آن برای یهودیان و دیگر پیروان دینها نیز حقوق لازم شناخته شد چه طبق اصل هشتم متمم، «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق» بودند و طبق اصل نهم «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض» بشمار آمدند و میدانیم که آیت الله سیدعبدالله بهبهانی بعنوان نخستین نماینده یهودیان در مجلس شورای ملی شرکت کرد و این خود نشان دهنده اعتقاد جامعه یهود ایران به علمای اسلام است. * * *

استعمار بریتانیا از طریق اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ میلادی وعده تاسیس «کانون ملی» برای یهودیان را در سرزمین فلسطین داد و صاحبان اصلی آن دژ بزرگ آسیا را بعنوان «اقوام غیریهودی» بشمار آورد. در همین سال آژانس یهود برسمیت شناخته شد و تبلیغات آن در سرتاسر جهان از جمله ایران گسترش یافت. در آن سالهای پر آشوب جاسوسان صهیونیست زیر عنوانهای گوناگون به ایران می آمدند و با آشفته کردن زندگی سنتی یهودیان و تشویق آنان به مهاجرت به فلسطین به تبلیغات خود وسعت بیشتری میدادند و سرانجام در سال ۱۹۲۰ میلادی سازمان صهیونیستهای ایران (انجمن صهیونیست) تاسیس گردید و گروهی را بسوی خود جلب کرد و در سال ۱۹۲۲ میلادی زمانی که شورای مجمع اتفاق ملل ست نامبارک قیومیت فلسطین را به بریتانیای کبیر داد، همین انجمن در تهران جشنی بنام استقلال یهود برگزار کرد و

امپریالیسم این گذشته آرام و انسانی متدینان مشرق زمین را در هم ریخت و خونریزی و قتل و ویرانگری را جانشین آن کرد. آنچه را که در رابطه با ایران یاد آور باید شد، پیوندی است که صهیونیسم با فراماسونری از یکسو و بهائیت از سوی دیگر پیدا میکند و در خدمت نظام سلطنت استبدادی پهلوی آسیب های فراوانی را به حاکمیت ملی و فرهنگی ایران وارد میسازد.

زمانی که استعمار در خط تکه تکه کردن سرزمینهای اسلامی (بالکانیزاسیون) و گسترش اندیشه ها و ارزشهای غربی قرار گرفت، میرزا ملک خان معروف، در پاریس به سال ۱۸۷۳ میلادی، ملاقاتی بین ناصرالدین شاه و مسیو ادولف کرمیو رئیس جهانی آلیانس اسرائیلی ترتیب میدهد و پس از گفتگوهای برای نخستین بار در تاریخ، یک کانون غیر ایرانی، از شاه ایران میخواهد تا درباره یهودیان ایران تصمیمهای جدیدی گرفته شود و در خط اندیشه های جهانی یهود که اندک اندک صبغه صهیونیستی آن آشکار میشد، مدرسه ای در ایران ایجاد گردد. این مدرسه که بعدها درسال ۱۸۹۸ میلادی (۱۳۱۶ قمری) تاسیس شد نه تنها یهودیان را بحدود جلب کرد و آنان را از سنتهای مذهبی و تاریخی یهودیت شرق (سفرادی) جدا صهیونیستی یهودیت غربی (اشکنازی) قرار داد بلکه بسیاری از مسلمانان ایران هم که بمرور از کاربردستان سیاسی کشور شدند، در این مدرسه ب تحصیل پرداختند.

در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا بسال ۱۸۸۸ میلادی، ملاقاتهایی میان فراماسونهای بزرگ و استادان اعظم لژهای بااهمیت از جمله م- ژ- دالزاس ترتیب داده شد و از شاه تقاضا گردید تا به یهودیان ایران در کارهای فرهنگی که با صهیونیسم پیوند یافته بود، کمک های بیشتری بنماید و ناصرالدین شاه که شاید از بطن و متن دسیسه های استعماری آگاهی نداشت، باین امر رضایت داد. در همین سفر است که در یکی از ملاقاتها ادوموند روچیلد سرمایه دار متهور یهودی که زمینهای زیادی را از مردم فلسطین غصب کرد یا به بهای ناچیز خریداری نمود و به صهیونیستها داد، حضور پیدا میکند و پس از گفتگوهای زیاد، پادشاه نادان و ناآگاه امیران باو میگوید: «بعقیده من بهترین راه آن است که چون شما ثروت زیادی دارید در محلی کشور سرگی را خریداری کنید و

کشور ما یکی از سرزمینهای است که بعلمهای تاریخی و موقع و موضع جغرافیائی همه گاه اندیشه ها و دین ها و مذهب های گوناگون در آن حیات عقیدتی و اجتماعی داشته اند و در صورت عدم تجاوز به وجدان دینی و حریم ملی بحکم فرهنگ و آموزشهای مبتنی بر ارزشهای برین جامعه، بسیار کمتر از دیگر کشورهای جهان، اقلیتهای دینی و ملی مورد آسیب قرار گرفته اند. در ایران اسلامی باعتبار «اهل کتاب» بودن مذاهب رسمی، زمانهائی که کانونهای سیاسی یا اقتصادی در خط برهم زدن نظم و آرامش جامعه و آزار اقلیتهای بویژه یهودیان قرار می گرفتند، بشهادت سندهای فراوان مجتهدان و علمای بزرگ مذهبی از آنان جانبداری و دفاع بعمل می آوردند و جز چند استثناء که از قشریگری نشأت میگرفت، بر روی هم به نسبت کشورهای اروپائی میتوان ادعا کرد که یهودیان و دیگر اقلیتهای ساکن ایران، اگر نه همگام اما در قرب مسلمانان در شادیها و آندوه های جامعه شرکت داشته اند.

از میانه های قرن نوزدهم میلادی بسیاری از تعصبات و نگرانیها و خامی ها جای خودشان را به تعقل و مدارا و پختگی می دادند که ناگهان بلای خانمانسوز صهیونیسم که واکنش اندیشه ها و رفتارهای ضد یهود و نژاد گرایی اروپائی بود در پیوند با برداشتهای قوم مداری و خونی موجود در بخشی از آموزشهای یهودی، بگونه عامل سیاسی استعمار و سلطه های امپریالیستی در سرتاسر جهان از جمله در مین ما آتش افروزیها و فتنه انگیزی های جدیدی را بوجود آورد که بی هیچ تردید میتوان ادعا کرد، صهیونیسم که نخستین کنگره خود را به سال ۱۸۹۷ میلادی در بازل سوئیس تشکیل داد بصورت زائنده سلطه طلبی های امپریالیسم در سرزمینهای اسلامی درآمد.

کشور فلسطین که اماکن مقدس سه دین بزرگ بشری، یهود و نصاری و اسلام را در خود دارد، از کهن ترین روزگاران مورد توجه معتقدان هر سه دین قرار داشته است بسیاری از یهودیان جهان، از جمله یهودیان ایران، برای زیارت و سیاحت بدانجا سفر میکردند و در باز گشت حتی بسان زائران کعبه، لقب «حاجی» میگرفتند. این امر عبادتی هیچگاه مورد مخالفت و ممانعت مقامات ایرانی یا فلسطینی اعم از عثمانی یا عرب قرار نگرفته است. آنان که تاریخ عربهای فلسطینی و سوریه را نوشته اند، تا بیش از پیدایش صهیونیسم همه گاه از مودت و دوستی پیروان «ادیان ثلاثه» در بیت المقدس حکایت می کنند. * * *

استعمار و سلطه طلبی

گرامی باد «روز قدس» روز همبستگی با مردم فلسطین

چرا به المپیک مسکو

هنگامیکه ار تمیستوکلس پرسیدند ترجیح میداد آشیل باشد یا هومر، پاسخ داد: «تو کدامین را برتر میشماری. یک پیروزمند در بازیهای المپیک، یا کسیکه با فریاد اعلام میکند پیروزمندان کدامند؟»

ایران در بازیهای المپیک شرکت نکرد، ولی این شرکت نکردن برای این نبود که ترجیح میداد تماشاچی باشد، بلکه بخاطر یک اشتباه سیاسی بود.

اعتراض به اشغال افغانستان توسط نیروهای روسی بجای خود ولی دنباله‌روی از سیاست تبلیغاتی آمریکا برای شرکت نکردن در بازیهای المپیک مسکو بی‌شک یک اشتباه بود.

بازیهای المپیک یک تاریخ ۲۷۰۰ ساله دارد. در یونان باستان پیدا شد و برای هزارسال پیوسته انجام میشد تا با فروگرائی نمدن یونان بخاموشی کشید. دور بازیهای نوین از سال ۱۸۹۶ آغاز شده است و هر چهار سال یکبار در یکی از کشورهای جهان برگزار میشود. نخستین المپیک دوره نوین در آتن برگزار شد ولی تا سال ۱۹۱۲ در استکهلم ارج پیشین خود را بازیافت.

جنگ جهانی نخست بازیهای المپیک ۱۹۱۶ را که قرار بود در برلین برگزار شود برهم زد. آمریکائیه، هم در بازیهای پیش از این جنگ و هم در سالهای پس از آن برتری خود را نگهداشته و به تقریب همه مدالها را در انحصار خود داشتند.

برای نخستین بار در ۱۹۳۶ بود که این انحصار در المپیک برلین درهم شکست و آلمان با بدست آوردن ۲۷ مدال طلا در جمع ۲۶/۴ درصد همه مدالها را از آن خود کرد. در حالیکه آمریکا ۱۸/۶ درصد مدالها را بدست آورد و نباید فراموش کرد که از ۱۹ مدال آمریکا ۸ تایی آنرا (یعنی ۴۸ درصد) سیاهان آمریکائی بدست آوردند.

جنگ جهانی دوم بازیهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ را بهم زد و در ۱۹۴۸ نخستین المپیک پس از جنگ در لندن با شرکت ورزشکاران ایرانی برگزار شد و برای نخستین بار ستارگان ایرانی چون جعفر سلماسی در ویمبلدن لندن درخشیدند تعداد کشورهای شرکت کننده در این سال ۵۹ یعنی ده تا بیشتر از المپیک ۱۹۳۶ بود.

در بازیهای که ایران از سال ۱۹۴۸ به بعد در آن شرکت کرد تنها چهار ورزشکار ایرانی در وزنه برداری و کشتی مدال طلا گرفتند که غلامرضا تختی یکی از آنان بود.

از ۱۹۵۲ در هلسنکی که روسها برای نخستین بار پس از ۱۹۱۲ تیمی به بازیها فرستادند المپیک صحنه جنگ سرد شد. در این بازیها روسها از لحاظ امتیاز از آمریکائیهها جلو افتادند.

در ۱۹۷۲ مونیخ، روسها ۲۶ درصد مدالهای طلا را بدست آوردند در حالیکه آمریکائیهها فقط توانستند ۱۶ درصد یعنی کمتر از المپیک ۱۹۳۶ بدست آورند. اگر مدالهای آلمان غربی و شرقی را بهم بیفزاییم در این المپیک

بزند تا مبادا اعتراض کنند که چرا رژیم ایران در این امر حیاتی که برای مسلمین پیش آمده بی تفاوت است؟ و یا از اسرائیل طرفداری میکند؟ و با اینکه اکثریت قریب به اتفاق دولتهای اسلامی و بسیاری از دولتهای غیراسلامی از اعراب در حال جنگ پشتیبانی کرده‌اند، دولت ایران و شاه بی حیثیت روی سرسپردگی بامریکا و اظهار تبعیت هر چه بیشتر، بظاهر ساکت و در واقع طرفداری از اسرائیل میکنند.

این شاه ایران است که دست اسرائیل را در سراسر ایران باز گذاشته و اقتصاد ایران را به خطر انداخته است و بنا بنوشته بعضی از جرائد خارجی افسران ایرانی را برای دیدن تعلیمات با اسرائیل می فرستد. * * *

پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، نه تنها سلطنت وابسته پهلوی را سرنگون کرد، بلکه بیاعتبار جهانگستر بودن آن میتوانست مقدمه پیروزی مردم فلسطین و دیگر ملت‌های زیر سلطه منطقه نیز باشد.

اسرائیل بزرگترین پایگاه اقتصادی و سیاسی خود را برای همیشه از دست داده هم کنون آشفته گی‌های اقتصادی و اضمحلال ارزشهای اخلاقی و شکست‌های نظامی پس از جنگهای رمضان وضعی را در اسرائیل پیش آورده است که سقوط آنرا حتمی تر میسازد.

چهاردهم ماه رمضان سال گذشته رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران برای ریشه کن کردن جزئومه فساد از منطقه، واپسین جمعه این ماه مبارک را روز قدس اعلام کرده و بیان داشتند.

«روز قدس روزی است که باید سر نوشت ملت‌های مستضعف در آن معلوم شود. باید ملت‌های مستضعف در مقابل مستکبرین اعلام وجود بکنند همانطور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید. تمام ملت‌ها باید قیام کنند تا این جزئومه‌های فساد را به زباله‌دانها بریزند»

بدین اعتبار ملت قهرمان ما مبارزه خود را هنوز پایان نداده است. ما هم کنون در صحنه نبرد با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل هستیم اسرائیل در رفتارهای ضد انسانی خود علیه مردم فلسطین و ملت‌های عرب کوچکترین تغییری نداده است اسرائیل در همکاری با بقایای نظام سلطنتی وابسته به بیگانه علیه انقلاب ایران موضع گیری می نماید. در توطئه‌های درون مرزی سیاسی و سازمانی، در دسیسه‌های صدام حسین در آتش افروزی‌های کردستان هنوز هم دست‌های خون آلود اسرائیل جنایتکار دیده میشود. تا اسرائیل باقی است انقلاب ما ناتمام است. * * *

انقلاب استقلال ایران را فراهم آورد و در خط دفاع از استقلال همه کشورهاست انقلاب آزادی مردم میهن ما را تأمین میکند و در مسیر حفظ آزادی‌های همه ملت‌هاست در نظام جمهوری

متشکل سازند. از قدرت پوشالی مدافعان صهیونیسم و اسرائیل نهراسند، از وعده و وعیدهای پوچ قدرتهای بزرگ مغرور و مقهور نگردند. از سستی و مسامحه که شکست ننگ بار و عواقب خطرناکی بدنبال خواهد داشت بپرهیزند، سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند، تنها برای سرکوبی ملت عرب نمیباشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمینهای ررخیخ و منابع سرشار کشورهای اسلامی میباشد و فقط با فداکاری و پایداری و اتحاد دولتهای اسلامی میتوان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت و اگر دولتی در این امر حیاتی که برای اسلام پیش آمده کوتاهی کرد، بر دیگر دولتهای اسلامی لازم است که با توییح و تهدید و قطع روابط او را وادار بهمراهی کنند، دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند بعنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده و از فروش نفت بان دولتهائی که با اسرائیل کمک میکنند خودداری ورزند.»

ملت ایران که از دیرگاه در خط مبارزه با صهیونیسم قرار گرفته بود، با رفتن و تعلیم دیدن و جنگیدن با دشمن در سرزمینهای فلسطین یا نبرد با اسرائیل در پایگاههای تبلیغاتی و اقتصادی آن در ایران، از قبیل حمله به (ژانسن یهود و هواپیمائی ال آل) و برپائی تظاهرات ضد صهیونیستی (بدنبال مسابقه فوتبال) در بهار سال ۱۳۴۹ تیم ایران و اسرائیل، کاملاً مبارزات رهایی بخش خود را در ارتباط با جهاد مردم فلسطین قرار داده بود و سرنگونی حکومت سلطنتی شاه را پیروزی همه ملت‌های زیر زنجیر منطقه میدانست بهمان سان که پیروزی مردم زیر سلطه خاورمیانه را گامی بسوی پیروزیهای ملی خود می شمرد.

امام خمینی در تحلیل و تبیین اوضاع ایران و دادن خط مشی مبارزاتی، همه گاه اسرائیل را بگونه دشمن اصلی مردم و همدست شاه خائن در سرکوبی اسلام معرفی میکرد در پیام دیگر بتاريخ شانزدهم رمضان المبارک ۱۳۹۳ بیان میدارد: «در شرایطی که مسلمین برای آزادی فلسطین و سرزمینهای خود جان فشانی میکنند، شاه، جمعیت کثیری از علما، فضلا و استاید برجسته حوزه‌های علمیه و بسیاری دیگر از روشنفکران ایرانی را بزنداد و تبعید کشیده و تحت وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار داده است.»

و سپس اضافه میکند: «وحشت از گسترش مبارزه و ایجاد هماهنگی بین کلیه طبقات و پشتیبانی قاطبه ملت مسلمان ایران از جنگ عادلانه مردم عرب است که موجب شده شاه دست بزدان و تسبیح غیر قانونی و بدون جهت علما و روشنفکران

آلمانیها پس از ۳۶ سال برای بار دوم از امریکائیها پیشی گرفتند و بعنوان یک ملت با ۱۶/۵ درصد مدالهای طلا در مقام دوم پس از روسها قرار گرفتند.

در بازیهای کنونی مسکو با خارج بودن آمریکا و آلمان غربی از دور مسابقه‌ها، یکه تاز میدان روسها و آلمان هستند.

واما تحریم المپیک، این اولین باری نیست که دولتها بان توسل میجویند، یکبار امریکائیها در ۱۹۳۶ کوشیدند که المپیک برلین را تحریم کنند ولی موفق نشدند. افریقائیها دوبار بازیها را در ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ تحریم کردند. گروهی از ورزشکاران و کشورها بجای تحریم، صحنه بازیهای المپیک را بهترین مکان برای بازتاب بخشیدن به مخالفت خود با برخی مسائل سیاسی واجتماعی دانسته‌اند. از آنجمله ورزشکاران سیاه آمریکائی در المپیک مکزیکوسیتی در ۱۹۶۸ شرکت کردند و هنگامیکه بر سکوی قهرمانی قرار گرفتند بجای اینکه در برابر نواختن سرود ملی و برافراشتن پرچم کشور خود بحالت احترام بایستند، بعنوان اعتراض به خشونت وقساوت دولت آمریکا نسبت به سیاهان، سرهای خود را بزیر افکندند و مشت‌های گره کرده خود را به آسمان پرتاب نمودند.

امسال نیز شانزده کشور که در بازیها شرکت کرده‌اند بعنوان اعتراض به اشغال افغانستان توسط روسها بجای پرچمهای ملی خود پرچم المپیک را در استادیوم لنین مسکو برافراشته‌اند.

ایس درست شیوه‌ایست که ایران نیز میبایست بر میگردد و بجای رفتن به راهی که به پیروی از سیاست دولت امریکا تعبیر شود، حق بود که در مسابقه‌ها شرکت میکرد و فریاد اعتراض خود را در آنجا بگوش جهانیان میرساند.

آرمان ملت در شماره ۳۳۳ شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ در اینباره نوشت: «در وضعی که دولت کسارتر همچنان دولتهای دیگر جهان را به عدم شرکت در المپیک مسکو تشویق می کند هر ذهن ساده‌ای این تصمیم گیری نابهنگام را نوعی دنباله‌روی تلقی میکند.»

«برخلاف گفته سخنگوی شورای انقلاب و درست به دلیل اینکه امریکا چنین تحریمی را عنوان کرده است، ایران نباید قهرمانان خود را از شرکت در المپیک مسکو باز می‌داشت.»

بارون پیر دو کوبرتن بنیانگذار بازیهای المپیک نوین میگفت:

«در زندگی آنچه مهم است پیروز شدن نیست بلکه خوب جنگیدن است.» ما هم ترجیح داشت به میدان جنگ برویم و خوب هم بجنگیم ولو پیروز نشویم.

آگهی تغییر مدیر تصفیه در شرکت منحل مروت با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۸۵۸۸

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکاء مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۶ آقای عبدالکریم احتکامی به نشانی تهران خیابان آیتاله طالقانی ساختمان بلر بعنوان مدیر تصفیه بمدت یکسال انتخاب گردید.

م الف ۱۰۶۴۶
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران

آگهی تغییر محل شرکت ترنکار با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۱۴۲۳

باستناد نامه شماره ۵۹/۱۰۳۲ مورخ ۵۹/۴/۱۰ مدیرعامل شرکت آدرس شرکت که نشانی خیابان انقلاب بین مصدق و کالج شماره ۱۰۴۶ انتقال یافته است.

م الف ۱۰۶۴۵
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران

آگهی حصر وراثت

آقای محمد تقی شاهپوری‌زانی بشناسنامه ۳۵۴ قم بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۲۳۱ این شعبه توضیح داده شادروان شاهمحمد شاهپوری‌زانی بشناسنامه ۲۵۹ در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ در گذشته وراثت حقوق مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- محمد رضا شاهپوری‌زانی به شناسنامه ۱۴۷ صادره از آبادان ۳- منوچهر شاهپوری به شناسنامه ۲۵۳ صادره از آبادان ۴- محمد باقر شاهپوری‌زانی به شناسنامه ۲۵۶۲ صادره از آبادان پسران متوفی ۵- زهرا شاهپوری‌زانی به شناسنامه ۲ صادره از آبادان دختر متوفی ۶- حدیجه شاهپوری‌زانی به شناسنامه ۶۲۶ صادره از نخب‌آباد عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای در گذشته برد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای حر رسمی و سری که بعد از این موعد ابرار شود در درجه اعتبار ساقط است.

م الف ۱۰۷۴۹
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران - محمدابراهیم طائف

اسلامی ایران، نه تنها هموطنان مسلمان ما شکوه انسانی و اسلامی خود را باز یافته‌اند، بلکه تمام اقلیتها از جمله یهودیان در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تسلیحات دینی بر طبق آئین خود، عمل میکنند (اصل سیزدهم). در نظام جمهوری اسلامی ملت ایران، تنگ نظری و کوتاه بینی جا ندارد، نظامی است. پیویارمبتنی برانقلابی جهانگستر.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با تعیین «روز قدس» جهانگستر بودن این انقلاب تاریخی را اعلام کردند و از این‌رو برای ملت بزرگ ما روز قدس روز تلاش برای رهایی همه مسلمانان جهان از زیر سلطه امپریالیست‌هاست.

روز قدس در خط نجات همه ستمدیدگان جهان است.

روز قدس روز حرکت بسوی نابود کردن دولت صهیونیستی اسرائیل است.

روز قدس طلایعه آیسند درخشان ملت‌هاست و بقول امام خمینی: «روز امتیاز حق از باطل است»

آگهی حصر وراثت

آقای محمد علی ساسانی بشناسنامه ۱۴۷۲ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۴۵۷ این شعبه توضیح داده شادروان حاج فرحی شناسنامه ۳۰۴۳ در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۱۸ در گذشته وراثت حسین‌الغوث آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ۲- فاطمه فرحی به شناسنامه ۳۴۷۸ صادره از بهران ۳- صغری فرحی به شناسنامه ۳۴۰۱ صادره از بهران دختران متوفی ۴- اکبر فرحی به شناسنامه ۱۲۹۴ صادره از بهران ۵- اصغر فرحی به شناسنامه ۳۴۷۳ صادره از بهران پسران متوفی ورثه دیگری ندارد لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای در گذشته برد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای حر رسمی و سری که بعد از این موعد ابرار شود در درجه اعتبار ساقط است.

م الف ۱۰۷۴۲
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران - محمدابراهیم طائف

م الف ۱۰۷۴۷
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران - محمدابراهیم طائف

تداوم انقلاب، در گرو ایجاد دولت با اقتدار است

خیزش طوفانی مردم

آنگاه که به ظاهر اندیشه آزادی از غرب به ایران سفر کرد در این سرزمین هوایی آشنا یافت و در این هوا به سرعت نمو کرد و شاخ و برگ آورد.

اندیشه آزادی را شناختیم و هم گرمی داشتیم، این مفهوم از آن خود ما بود. ما آن را آفریده و پرورده بودیم غرب هم آن را از ما دریافته بود. آنچه از غرب به ایران سفر کرد، مفهوم آزادی نبود، بلکه مکانیزم‌های اجرائی آن بود. غرب اندیشه آزادی را از ما ستاند و در تخمیر بزرگ انقلاب صنعتی و تجدید سازمان اجتماعی (رفورماسیون) ساختهای حقوقی و قانونی برای آن پدید آورد. آزادی و آزادی، در فرهنگ ایرانی که از آموزشهای والای اسلامی مایه گرفته تنها یک شیوه اخلاق و برداشت فردی و شخصی نبوده است. این مفهومها به گونه‌ی وسیله‌ای برای نیل به کمال اجتماعی و آفرینش حیات سیاسی برتر به کار می‌رفته و حتی در بحثهای دینی آزادی گفتار و آزادی نوشتار طرح گردیده.

مفهوم حاکمیت ملی، به گونه‌ی تعهد حکمران در برابر ملت و حکمران در مجموعه فرهنگ ما هرگز حقیقتی، بر اجرای خواسته‌های خویش ندارد و قدرت حاکمیت چون امانتی به وی سپرده شده که باید در آسایش همگان به کار گیرد و وظیفه یافته تا خزانه کشور را در راستای آبادانی سرزمین و رفع نیاز درمندان مصرف نماید و اگر جز اینها کند، حکومت بروی روانیست.

ایستادگی در برابر حکمرانان ستمگر و شوریدن بر ایشان و به زیر کشیدن نشان در تاریخ ایران، پدیده‌ای است آشنا و سراپای تاریخ مسا حکایت از این دارد که هرگاه حکمرانی از میزانهای ملی و دینی برکنار مانده است، نهیب طغیان مردم او را از مستی قدرت به هوش می‌آورد.

گروهی است و بی‌جهت نیست که روحانیت ترقیخواه پرچمدار این جنبش ایرانگیر میشود.

فرهنگ نیرومند ایران، توانائی کاملی دارد برای آنکه در ذهن انسانها، اندیشه‌های به‌نشانند و آنانرا به طلب آن برانگیزاند. همه کوششهایی که تا کنون برای پیدا کردن برش‌های خاص اجتماعی در انقلاب مشروطیت ایران بعمل آمده، بی‌نتیجه مانده است و هر کدام از تحلیل‌های کلاسیک یا نئوکلاسیک را از مقطع «طبقاتی» انقلاب مشروطیت قبول کنیم، انبوهی از سئوالهای بی‌جواب در پیش روی ما باقی خواهد ماند.

راستی آن است که اندیشه مشروطیت و آزادی، ره‌آورد منافع اقتصادی نبود، یک نیاز ملی و ره‌آورد فرهنگ بود. این آشنای دیرین ما بود که به سفر رفته و از سفر بازمی‌آمد. ملت ما چنان در برابر این اندیشه آغوش گشود که هیچ توجیه «مادی» یا «طبقاتی» برای آن نمی‌توان سراغ کرد. دو اندیشه بزرگ آزادی و استقلال سراسر فرهنگ سرشار و انسانی ما را در خود گرفته است و هیچ گوشه فرهنگ ما از این دو اندیشه خالی نمی‌باشد.

روستائی و شهری دارا و ندار - باسواد و بی‌سواد و پیر و جوان و زن و مرد سنت‌گرایان و تجددخواهان همه با هم در انقلاب مشروطیت شرکت جستند.

وطن از کف رفته بود، به راستی از کف رفته بود، خیزش طوفانی مردم ما آنرا به ما باز آورد. و آنچه هم‌مردم را به جانفشانی در راه مشروطیت برانگیخت، خطرهای بسیاری بود که میهن ما را در خود فرو می‌برد، همه رویدادهای مشروطه‌خواهی نشان‌دهنده این باور است. اولین کمیته انقلابی که در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هجری قمری بطور سری در ...

میکده در تهران تشکیل شد. و نه تن که در آن شرکت کردند و به قرآن مجید و پرچم سمرنگ که روی آن کلمات عدالت و آزادی نگاشته شده بود سوگند یاد کردند، نشان دهنده آن است که مردم از دردمندی وطن

تهران از حادثه‌های ناگوار انقلاب بزرگ مشروطیت است، صرف‌نظر از دسیسه‌ای که ممکن است در آن بکار رفته باشد، جا دارد توضیحی درباره آن داده شود. از آنجا که دربار استبدادی قاجار پس از جنگهای زیان‌آور با روسیه، وشکست‌های دلخراش از تزارسم به موجب پیمانها و هم به هراس از نیروی نظامی روسیه زیر تاثیر آن دولت می‌بود، دولت انگلستان برای کاستن از نفوذ رقیب نیرومند خود، در نهان مشروطه خواهان را به پایداری در برابر دربار استبدادی تشویق می‌کرد و می‌خواست از راه همدلی نشان دادن با مشروطه خواهان در دربار ایران هراسی از خود ایجاد کند و امتیازهایی بگیرد.

از سوی دیگر دولت روس که پیشرفت کار مشروطه خواهان را به زیان دربار که اصلی‌ترین پایگاه او در ایران بود، می‌دید، کوشش داشت تا آنجا که ممکن باشد از پیشرفت آنان جلو گیرد. براساس این دو گونه برداشت متفاوت از جریان مشروطه خواهی، دو سیاست روس و انگلیس در ایران با یکدیگر برخورد کردند و هر کدام از دو سیاست به حمایت یکی از دو طرف مبارزه، آزادیخواهان و دربار، کارهایی به جا می‌آوردند.

ولی این دو سیاست هر دو به زودی دریافتند، که برخورد آنها با یکدیگر در ایران به زیان هر دو است و به ویژه انگلیسها به سرعت فهمیدند که پا گرفتن مشروطیت در ایران و پدید آمدن حکومت ملی، به هیچ روی به حال ایشان مفید نخواهد بود، پس هر دو براساس این برداشت مشترک، گفتگوهای برای پایان دادن به برخوردهای سیاسی خود در ایران آغاز کردند.

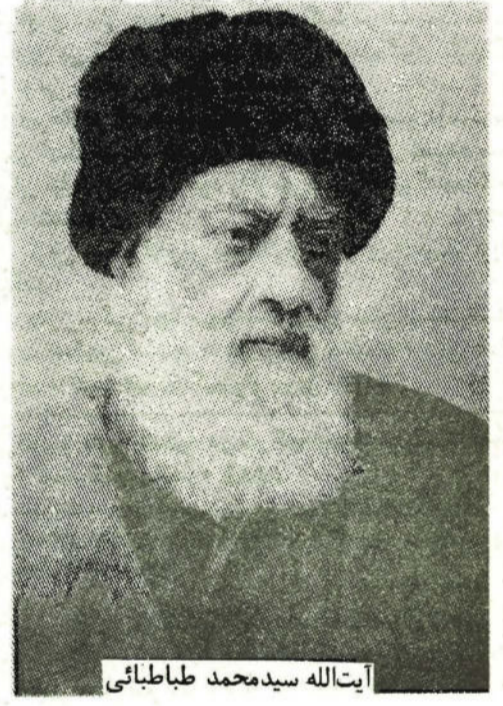
از سوی دیگر در اروپا، صف‌بندی‌های سیاسی تازه‌ای پدیدار میشد و آلمانها بر قدرت نظامی خود می‌افزودند و در اروپا برای خود همدستانی جستجو می‌کردند و انگلیسها که نمی‌خواستند تعادل نظامی و سیاسی اروپا بر هم بخورد، بهترین راه مقاومت در



آیت‌الله سیدعبداله بهبهانی



ستارخان، گرد آزادی



آیت‌الله سیدمحمد طباطبائی

برابر ارتش نیرومند آلمان را، همدستی با روسها تشخیص دادند. پس هم از لحاظ سیاست منطقه‌ای و هم از لحاظ سیاست عمومی، دولت انگلیس منافع خود را در همدلی با روسها می‌دید و از سوی دیگر دولت انگلیس نمی‌خواست شعله‌های انقلاب ایران با آن سرکشی و گرما بالا بگیرد، زیرا یقین می‌دانست بالا گرفتن این شعله‌ها دامنه آن را به کشورهای همسایه هم گسترش خواهد داد و پدید آمدن چنین حالتی برای انگلستان حکم ضربه مرگ را داشت.

از اینرو پیش از آنکه کار انقلاب ایران گسترش یابد بهتر آن دید که با روسها به توافق برسد، گفتگوی روسها و انگلیسها چندان به درازا نکشید و هشت ماه بعد از گشوده شدن نخستین مجلس شورایی قرار داد محرمانه‌ای که به قرارداد ۱۹۰۷ معروف شد با روسها امضاء گردید که به موجب آن، ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم می‌شد و تنها یک منطقه بسیار کم عرض بین این دو منطقه نفوذ عنوان کمربند مرکزی، از نفوذ هر دو خارج میماند تا در آنجا دولتی ظاهری واسمی تشکیل گردد و امتیازهای مورد درخواست هر کدام از ده دولت صاحب نفوذ را امضاء کند.

بدین طریق اختلافهای روس و انگلیس در ایران پایان می‌یابد و هر دو برای نابودی مشروطه و حکومت ملی همدستان می‌شوند و انقلاب آزادیخواهی ملت ایران هم از این لحظه رنگی دیگر می‌گیرد.

از این لحظه به بعد، تحمن‌ها و گفتگوها و پیام دادن‌ها و گرفتن‌ها و اندرز و پند دادن پایان می‌یابد و تفنگها به صدا در می‌آیند و حماسه‌های قهرمانی ملت ایران به گونه‌ای باورنکردنی رخ می‌دهد.

انگلیسها و روسها هر دو می‌پنداشتند، اگر از دربار ایران پشتیبانی کنند آزادیخواهان و میهن‌دوستان به زودی سرکوب خواهند شد و نگرانی بقیه در صفحه هفتم

آزده از ست از به جان آمده بودند.

روز شانزدهم ذی‌القعدة ۱۳۲۳ هجری که نخستین بار رهبران انقلاب و گروه بزرگ تحمن‌کنندگان در حضرت عبدالعظیم به تهران باز می‌گشتند، شهر یکپارچه از جمعیت تهی گردید و همه بازارها و دکانها بسته شد همه برای باز گردانیدن رهبران مذهبی و مبارزان سیاسی به حضرت عبدالعظیم حرکت کردند. در تاریخ مشروطه کسروی آمده است «امیرخان سردار تلقن کرد در شکوها و کالسکه‌های شهر همه بدانجا بروند، بسیاری از اعیانها و توانگران در شکوها و کالسکه‌های خود را فرستادند. راه تهران و حضرت عبدالعظیم را نیز مجانی کردند و مردم چندان انبوه شدند و بهم فشار آوردند که بیم نابودی کسان میرفت.» این یکپارچگی و همدلی همگان قراسوی سوده‌های گروهی است و انگیزهای بزرگتر و نیرومندتر از انگیزه‌های اقتصادی دارد.

آنگاه که تحمن‌کنندگان آماده حرکت میشدند، «سه ساعت به نمروز بود، منبری در صحن گذاردند و حاج شیخ محمد واعظ بالای آن رفت و در بودن همه‌ی علماء، مردم با آواز بلند «زنده باد ملت ایران» گفتند» این آواز مردم در فجر انقلاب باز هم بیانگر نیروی به حرکت در آورنده چرخ انقلاب است.

با این بست‌نشینی و بیروزی اندک، چرخ انقلاب به راه افتاد و از این پس رویدادها و برخوردهای ریز و درشت گوناگون در دفتر انقلاب نگاشته می‌شود و همه این برخوردها نشان از آن می‌دهد که انقلاب مشروطیت، جنبش فراگیر همه گروههای ملت ایران است.

آیت‌الله سیدمحمد طباطبائی در نامه‌ای به مظفرالدین شاه از ستمی که بر گروههای اجتماعی مختلف مردم می‌رود یاد میکند، این نامه چنین آغاز می‌شود «فریاد دل وطن پرستان» و چنین پایان می‌یابد «برای خاطر یک نفر مستبد چشم از سی زور فرزند خود نبوشید».

و پیش از انقطاع راه چاره‌ای بفرمائید تا مملکت از دست نرفته... نوشتارها و همه گفتارهای دو رهبر روحانی مشروطیت، بهبهانی و طباطبائی به روشنی حکایت از آن می‌کند که ایشان نمایندگی همگان را داشته‌اند و از جانب «ملت ایران» پشتیبانی میشده‌اند. در این میان، پناهنده شدن گروهی از مردم به سفارت انگلستان در

چون حکمرانان دوستدار قدرت مطلق، در تاریخ ما کم نبوده‌اند. ایستادگی و مبارزه مردم ایران هم در برابر آنان، کم‌وبیش به صورت جریان پیوسته در آمده است.

اگر زیر فشارهای گوناگون، گروههایی از مردم به ارادت از حکمرانی ستمگر تظاهر می‌کردند، هم ایشان در زرفای ضمیر خود حس کینه و نفرت به وی می‌پروردند تا در نخستین فرصت به گفته سعدی «دمار از دماغ ظالم» بدر آورند و اگر برخی از هنرمندان ما از سرناگزیری در ستایش از ستمگران سخنانی پرداخته‌اند، در جابه جای گفتارهای خود گرایش به ایستادگی در برابر زورگوئی را نیز نمایان ساخته‌اند.

عشق به آزادی و آزادی، و عدالت در آنجا که فرصت بروز و تجلی نمی‌یابد، به صورت عرفان لطیف و انسانی، جلوه‌گری می‌کند و در همه اندیشه‌های بلند عرفانی این مفهومها را به روشنی می‌توان دریافت.

اندیشه آزادی، به گونه‌ی ره آورد یک دیستان فکری یا یک گروه و یا مدافع منافع یک بخش از جامعه در ایران نمی‌تواند مورد رسیدگی قرار گیرد. هر کوششی برای جای دادن اندیشه آزادی و تلاش آزاد منشانه ملت ما در چارچوب دیستانهای فکری اروپائی، عبث است، چرا که آزادی، یکی

از عنصرهای اصلی فرهنگ ما بوده است و به جستجوی آن برخاستن در همه تاریخ ما پیوسته تکرار شده است.

فرهنگ ایرانی با اندیشه آزادی و آزادی‌گی عدالت جوش خورده است و فهرست طولانی نامه‌های دلاورانی که در پهنه تاریخ میهن ما بر سر اعتقاد خود مبارزه کرده و جان باخته‌اند گواه روشنی بر این ادعا است.

نسبت دادن اندیشه مشروطه‌خواهی به این گروه یا آن گروه، بی‌گفتگو برخاست، در نهضت مشروطه‌خواهی و در انقلاب گسترده‌ای که به دنبال آن فضای ایران را بر نغمه و آوا می‌سازد، همه مردم ایران تلاش کردند.

راست است که گروههای اجتماعی به انگیزه سودهایی که در اندیشه‌ها و روندهای تاریخی تشخیص می‌دهند به جستجوی آنها بر می‌خیزند. ولی صلابت هر فرهنگ پایدار بی‌هیچ تردید، انگیزه‌های نیرومندتر از سودهایی

درود به روان تابناک شهیدان انقلاب مشروطیت

ارگان حزب ملت ایران

خیزش طوفانی مردم

هر دو از میان خواهد رفت، اما هر دو اشتباه کرده و از ظرفیت انقلابی ملت ایران بی‌خبر مانده بودند.

پیمان ۱۹۰۷ و همدلی روس و انگلیس بادر بار ایران در سر کوبی آزادیخواهان همه زشتی و سیاهی را که بست نشستن در سفارت انگلیس پدید آورده بود، شست و از میان برداشت.

در خشانترین دوران مبارزه ملت ایران برای استقرار مشروطیت با قتل میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان درست در همان روز ۳۱ اوت ۱۹۰۷ (برابر نهم شهریور ۱۲۸۶) که قرارداد تقسیم ایران بین روس و انگلیس امضاء می‌شود آغاز میگردد.

اتابک می‌خواست که با زیرکی مشروطه را از میان بردارد و آزادیخواهان نیز بر این خواست وی آگاه بودند و از اینرو پیش از آنکه فرصت اینکار بیاید او را از میان برداشتند.

در جیب کشنده اتابک کارتی بدست آمد که بر روی آن نوشته شده بود «عباس آقا صراف آذربایجانی عضو انجمن نمره ۴۱ فدائی ملت». از چنین انجمنی خبر درستی نداریم و نمی‌دانیم که آیا در اساس وجود داشته یا خیر ولی نوشتن عبارت «فدائی ملت» بر کارت و قرار دادن آن در جیب و سپس آهنگ کشتار مرد خائینی چون اتابک کردن نشان دهنده آن است که عامل برانگیزنده فداکاریها عشق به ملت و وطن بوده و هیچ سود گروهی از آن جستجو نمیشده است.

مجلس اول در روز چهاردهم مهر ۱۲۸۵ با حضور شصت تن نماینده تهران گشوده شد. ترکیب این مجلس بر اساس نظامنامه انتخابات گروهی و یا صنفی بود. این نظامنامه ملت را به شش گروه تقسیم کرده بود از اینقرار: شاهزادگان و قاجار، علماء و طلبه‌ها، اعیانها، بازرگانان، زمینداران و کشاورزان و پیشه‌وران و هر گروهی نماینده جداگانه برمی‌گزید. در میان نامهای نمایندگان دوره اول مجلس نامهای چون میرزا محمود کتابفروش، حاجی میرزا ابراهیم خیاط‌باشی، حاجی سید ابراهیم حریرفروش، شیخ حسین سقط فروش، حاجی محمدتقی بنگدار، امین‌التجار، کردستانی، حاجی سید آقا تیرفروش، حاجی میرزا احمد زرگر باشی، حاج شیخ اسمعیل بلورفروش، مشهدی باقر بقال، شیخ حسین علاقه‌بند، استاد حسن معمار، سید حسین بروجرودی، آقا حسین قلی، حاجی عباسعلی، حاجی عبدالوهاب، حاجی علی‌اکبر پلویز، استاد غلامرضا یخندانساز، حاجی سید محمد ساعت‌ساز، سید مصطفی سمسار، سید مهدی دلال و سید محمدتقی هراتی این عده در کنار حاجی حسین آقا امین‌الضرب، حاجی معین‌التجار بوشهری، میرزا محمود اسپهانی، دکتر سید ولی‌الله خان و توفیق‌الدوله، مخبرالملک و همچنین در کنار علمای بزرگی چون میرزا طاهر تنکابنی، حاجی سید

نصرالله اخوی برمیخوریم که به همه گروههای اجتماعی ایران تعلق دارند. مجلس اول با ترکیب مخصوص خود، عنوان یک مجلس قانونگزاری نداشت، این مجلس مرکز راهبری انقلاب بزرگ ایران شد. این مجلس همه نیروهای پراکنده آزادیخواهان را به گرد خود جمع کرد و مبارزه پراکنده ملت ایران، بدینسان سامان یافت و شکل گرفت. مجلس اول پس از رسمیت یافتن به تنظیم قانون اساسی نشست و مجموعه‌ای در پنجاه و یک اصل به نام قانون اساسی از تصویب خود گذراند.

روح و مفاد بیشتر این اصول پنجاه و یک گانه در جهت حفظ منافع ملت ایران در برابر بیگانگان است، یک مرور کوتاه بر پنجاه و یک اصل قانون اساسی نشان دهنده آن است که اصلی‌ترین خواست نمایندگان ملت، استوار داشتن حقوق ملی و منافع کلی کشور است. (اصل استقلال) در این پنجاه و یک اصل کمترین نشانی از سود جوئی یک گروه عیبه گروه دیگر دیده نمی‌شود.

یک کار ارجدار دیگر مجلس اول، تأسیس بانک ملی و جلوگیری از وام گرفتن دولت از خارجه است. در جریان تأسیس بانک ملی، بانوان سالخورده کارگر و بازرگانان به نام کشور همدست و همدل شرکت کردند، قصه بانوی رختشوی پریشان حالی یک توهان آورد در مسجد و از همه حاضران و سایر مردم کشور خواست که هر کس به اندازه توانائی خود پولی بیاورد، تا بانک ملی درست شود و دولت دیگر از خارجه وام نگیرد و جنبشی که پس از آن در راه تأسیس بانک پدید آمد و یکبارچگی خواست و کوشش مردم در این راه باز هم نشانگر آن است که مجموعه انقلاب مشروطیت در راستای نگاهداری سود هیچ گروه خاصی نیست.

پس از تصویب و رسمیت یافتن قانون اساسی که بیان کننده آرمان ملت و خواستههای همگانی برای ایستادگی در برابر بیگانگان است که اصلی‌ترین خواست انقلابیان می‌بود، نمایندگان مجلس اول به تدوین شکل حاکمیت و حقوق ملت پرداختند و همه اندیشه‌ها و اصل‌هائی را که بیان کننده حقوق فردی و اجتماعی مردم است در مجموعه دیگری به نام متمم قانون اساسی جمع آورد و تصویب کرد. (اصل آزادی)

دربار و دولتیان در برابر این مجموعه که حاوی حقوق ملت بود به سختی ایستادگی کردند لیکن پایداری مجلسیان و مردم و همچنین قتل اتابک امین‌السلطان صدراعظم سرانجام آنان را ترسانید و به عقب‌نشینی و پذیرفتن متمم قانون اساسی ناگزیر ساخت.

دربار و دولتیان متمم قانون اساسی را پذیرفتند ولی کینه مشروطیت و مشروطه‌خواهان را در دل نگاه داشتند تا به هنگام مناسب به برانداختن همه این دستاوردها بپردازند.

پس از تصویب متمم قانون اساسی و امضای آن از سوی دربار و رسمیت یافتن آن، تلاشهای درباریان برای از میان برداشتن مشروطه آغاز شد که چندان هم پنهانی نبود و نمایندگان مجلس از آنها باخبر میشدند، ولی از راه سهل‌انگاری و ناچیز شمردن دشمن خود را آماده

بر خورد نمی‌ساختند و حال آنکه پدید آمدن بر خورد حتمی و ناگزیر می‌نمود. دولتیان و درباریان هر روز دشواری تازه‌ای برای مشروطه‌خواهان فراهم می‌آوردند و هر روز در گرد آوری همدستان و تجهیز نیرو و پیدا کردن بهانه برای رویارویی قطعی با مشروطه‌خواهان می‌کوشیدند ولی از سوی مشروطه‌خواهان چنانکه می‌بایست برای آماده ساختن خود جهت درگیری احتمالی تلاشی صورت نمی‌گرفت. مشروطه‌خواهان به آسانی می‌توانستند، نیروهای بسیار گرد آورند و به پایداری برخیزند اما این کار را نکردند و سرانجام درباریان با فراهم آوردن نیروی لازم و با همدستی

میدانهای جنگ تبریز توسط خیر گزاریهای بزرگ خارجی به جهان مخابره میشد و در دنیای سیاه و مصیبت‌زده کشورهای زیر سلطه شور و امیدی پدید می‌آورد.

اسمعیل امیرخیزی در کتاب خود به نام «قیام آذربایجان و ستارخان» از زبان علامه قزوینی مطلبی در رابطه با ستارخان آورده است بدین شرح:

«متدرجا» شهرت او از داخل به خارج ایران سرایت کرد. وصییت شجاعت و مردانگی او

در تمام دنیا انتشار یافت و غالب اوقات در جراید اروپا و آمریکا، هر روز با خط درشت اسم ستارخان در صفحه اول روزنامه‌جات با تفصیل جنگهای او و مقاومت سخت او در مقابل قشون دولتی چاپ میشد و خوانندگان آن جراید را قرین اعجاب و تحسین می‌نمود. عده‌ای از جراید اروپا و آمریکا وقایع نگارهای مخصوص به تبریز فرستاده بودند. من در آن اوقات تازه به پاریس آمده بودم و از بس اشتیاق به اخبار تبریز داشتم هر روز صبح بسیار زود از خواب برخاسته از منزل بیرون می‌آمدم و چندین روزنامه فرانسه و یک روزنامه انگلیسی «نیویورک هرالد» که در پارسی طبع میشد و لی شبعهای از «نیویورک هرالد» خود نیویورک بود می‌خریدم و اخبار این روزنامه اخیر که بواسطه وقایع ناکار خودشان از تبریز یا تهران به اروپا فرستاده میشد از تمام جراید دیگر مفصل تر بود و من تمام این جراید را قبل از آمدن به خانه روی نیمکتی در یکی از باغهای کوچک محله نشسته می‌خواندم سپس با قلب راضی و بکلی خوشحال در پیش نفس خود در میان اروپاییان سربلند به خانه بر می‌گشتم و به صرف صبحانه می‌پرداختم.

کاردار سفارت روسیه در تهران می‌نویسد «من قبل از آنکه در ایران مأموریت پیدا کنم در مراکش بودم، در آنجا مردم به زبان عربی سرودهایی ساخته بودند راجع به تعریف و توصیف ستارخان و اغلب اوقات آن سرودها را به آواز می‌خواندند.» (نقل از کتاب امیرخیزی).

به راستی پایداری ایرانیان باعث سربلندی بود. همه قدرتهای بزرگ استعماری به سر کوبی ایران برخاسته بودند، اما ایران جانانه ایستاد و اولین انقلاب پیرومند آسیا را به تاریخ ارمغان داشت.

لشکر پشت لشکر برای سر کوبی آزادیخواهان تبریز فرستاده شد، هیچکدام کاری از پیش نبردند. دلیریها که مردم تبریز و بخصوص شخصی ستارخان نشان دادند همه به افسانه می‌نماید، در برخی از صحنه‌های جنگ، نیروی آزادیخواهان به دولتیان، نسبت یک به دو بیست داشت و دولتیان همه گونه جنگ افزاری می‌داشتند ولی پیروزی نیافتند.

درگیری بخش عمده قوای دولتی در آذربایجان، به رزم اوران رشت و اصفهان و قزوین فرصت داد که به مرکز استبداد هجوم آورند. و سرانجام در روز ۲۲ تیر ۱۲۸۸ برابر با ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ مجاهدان در میان غریبو و شادی مردم وارد تهران شدند و عده‌ای از مردم پایتخت مسلح گردیده بدانها پیوستند و رو به سوی مرکز شهر نهادند و با قوای دولتی به جنگ پرداختند و روز ۲۸ تیرشاه با پانصد سرباز به اتفاق سران حکومت استبدادی با دستگیری مأموران انگلیسی، به سفارت روس پناهنده شد.

نخستین انقلاب ظفر مند ملت‌های آسیائی تنها به دلیری و کاردانی مردم به ثمر رسید. در این انقلاب جانفشانی‌ها شد. و توانائی‌های تاریخی ملت ما به جلوه درآمد. راه مبارزه استقلال جویانه و راه به دست آوردن آزادی را به دنیای استعمار زده نشان داد.

ملت ما پیشرو و پرچمدار مبارزه رهائی بخش ملت‌های آسیا و آفریقا بود و انقلاب مشروطیت ایران، انقلابی بود علیه حاکمیت استعمار و گماشتگان و پرچم این انقلاب بر شانه‌های همه مردم ایران قرار داشت. آنانی که اندیشه آزادی را به بشر ارمغان کرده بودند، شیوه رسیدن به آن را هم به گرفتاران آموختند.

۷۹۸۲م- الف
آگهی حصر وراثت
خانم ایران خاکپور بشناسنامه ۴۸۳ بشرح دادخواست کلاسه ۱۹۲۵/۵۹ این شبهه توضیح داده شادروان ابوالقاسم خاکپور بشناسنامه ۳۰۶۰ در تاریخ ۵۲/۱۲/۳۳ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه و رضوان خاکپور بشناسنامه ۳۷۲ دختران و محمد خاکپور بشناسنامه ۴۸۲۸۵ و باقر خاکپور بشناسنامه ۵۹۵۷۵ پسران و رویایه خاکپور بشناسنامه ۱۲۵۰۱ هسمر دائمی.

آگهی تغییرات شرکت هلن آحاق با مسئولیت محدود ثبت شده ذیل شماره ۳۳۳۳۹

بموجب صورتجلسه مورخ ۵۹/۳/۵ شرکت مزبور تغییرات زیر باتفاق آراء بعمل آمده است: ۱- دوشیزگان میتر و معصومه محرر سنائی هر یک با دریافت مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال و بانو اعظم شعاریان ستاری با دریافت ۲۰۰/۰۰۰ ریال سهم‌الشرکهای خود را تقبیل دادند. ۲- آقای ناصر جلیلی اهراب با پرداخت مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال بصندوق شرکت وارد شرکت گردیدند. ۳- در نتیجه در سرمایه شرکت تغییری حاصل نشد و اسامی دارندگان سرمایه و مقدار سهم هر یک از آنان بشرح زیر اعلام گردید: بانو اعظم شعاریان ستاری و دوشیزگان میتر و معصومه محرر سنائی هر یک دارندده یک میلیون ریال آقایان ناصر جلیلی اهراب و بهمن پوستیان هر یک دارندده سه میلیون ریال ۴- آقای ناصر جلیلی اهراب بعنوان عضو هیات مدیره انتخاب و بانو اعظم شعاریان ستاری و بهمن پوستیان بترتیب در عناوین مدیریت عامل و ریاست هیات مدیره ابقاء گردیدند. ۵- کلیه اسناد شرکت اعم از اداری و جاری و تعهدآور از قبیل قراردادهای، چکها، سفته‌ها و بروات با امضای مشترک سه نفر اعضای هیات مدیره (بانو اعظم شعاریان ستاری، بهمن پوستیان، ناصر جلیلی اهراب) همراه با مهر شرکت خواهد بود. م- الف ۱۰۶۴۷ اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجارتی تهران

اشکار روس و انگلیس به اجرای آرزوی خود که برانداختن مشروطه بود برخاستند.

بامداد مرگبار روز سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ برابر با دوم تیرماه ۱۲۸۷ فرار سید و لشگریان محمدعلی شاه در سه ستون به سوی مجلس روان شدند. نخست راهپائی را که به مجلس می‌رسید بستند و سپس بنای تیراندازی گذاشتند. قشونی که به مجلس حمله برد به اسلحه سنگین مجهز بود و افسران روسی آن را اداره می‌کردند و جنگ هفت ساعت طول کشید. مردمی که در مجلس از پیش‌گردد آمده بودند و مبارزانی که با شتاب خود را با صحنه جنگ رسانیدند در برابر هجوم لشگریان دشمن پایداری کردند ولی پس از هفت ساعت جنگ نابرابر شکست خوردند.

شکست مشروطه‌خواهان در واقعه به توپ بستن مجلس انگیزه دلیری‌ها و ایستادگی‌هایی است که پس از آن رخ داد و در همه آفاق وطنین افکند و حرکت‌های انقلابی بمعنی راستین کلمه از همین‌جا شروع شد.

شماره کشتگان دوطرف چندان روشن نیست ولی تردید نداریم که شمار کشتگان از قوای دولتی کمتر از آزادیخواهان نبود.

دکتر مهدی ملک‌زاده در تاریخ انقلاب مشروطیت خود چنین آورده است «نماینده سفارت فرانسه می‌نویسد «من همان روز عصر میدان جنگ و خیابانهای اطراف بهارستان را معاینه کردم. سطح میدان بزرگ بهارستان آغشته به خون بود، و حتی در بعضی نقاط خون بطوری زیاد بود که اگر کسی می‌خواست عبور کند تا مج پا در خون فرو می‌رفت و خیابانهای اطراف مخصوصاً خیابان جلو مسجد سپهسالار و خیابان ظل‌السلطان و خیابان چراغ‌برق خون‌آلود بود.»

پس از این کشتار، به غارت مجلس و بازداشت و شکنجه و اعدام سران مشروطه‌خواه پرداختند، در اندک زمانی شمار بسیاری از مشروطه‌خواهان دستگیر شدند و شماری به قتل رسیدند و همه کوششهای مشروطه‌خواهی به ناگهان برچیده شد و در ظاهر دیگر فعالیتی به نظر نمی‌رسید.

بر شکست مشروطه‌خواهان عامل‌های گوناگون بر شمرده‌اند هرچه بود، آزادیخواهان

می‌توانستند پیش‌گیری بیشتر بکنند و نکردند، و صدمه‌های جانگدازی خوردند.

داستان شقاوت‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که بر آزادیخواهان پس از این واقعه رفت از دردناکترین صحنه‌های تاریخ انقلاب مشروطیت است.

با ویران شدن مجلس و پراکندگی مجلسیان و بسته شدن همین نهادهای مشروطه خواهی، مبارزه مشروطه‌خواهان به سرعت شکل پنهانی و سپس شکل مسلحانه گرفت و در همه جای ایران، به دفاع از آزادی و استقلال خود برخاستند.

در آذربایجان تودهٔ تهیدست مردم به راهبری درخشانترین چهره انقلاب مشروطیت ستارخان سازمان جنگی آراستند و به پیکار ایستادند. بیشتر رزمندگان از محرومترین گروه‌های اجتماعی میبودند ولی بسیاری از محترمان شهر هم با آنها همکاری داشتند و همچنانکه بر توانائیهای این گروه افزوده میشد، گروندگان به ایشان هم فزونی می‌یافتند.

در بختیاری و تنکابن و اصفهان و گیلان و تهران و در هر جای دیگر کشور مردم بتناسب امکاناتی که در اختیار داشتند بسنای ایستادگی گذاردند و مردانی چون سپهدار تنکابنی و سردار اسعد و صمصام‌السلطنه بختیاری پا به صحنه نبرد مسلحانه نهادند.

گفتم در انقلاب مشروطیت هیچ برش گروهی نمیتوان پیدا کرد. ترکیب نیروی مسلحانه مشروطه‌خواهان ناحیه‌های مختلف کشور، به خوبی نشانگر درستی این برداشت است. ستارخان و باقرخان و مردانی همچون مشهدی حسین‌باغبان که شایسته‌ترین نمایندگان توده تهیدست ایران می‌بودند هم‌رزم زمینداران و ثروتمندانی چون سپهدار تنکابنی و سردار اسعد شده بودند. در انقلاب مشروطیت ملت ایران بر پا خاسته بود و می‌جنگید و همه مردم می‌جنگیدند، هر کس به فراخور قدرتش.

گفتنی است که در این روزگار سال ۱۹۰۸ میلادی همه قیامهای آزادیخواهان آسیا و آفریقا سر کوب شده‌بود. انقلابیان عثمانی نیز شکست خورده بودند. آزادیخواهان روسیه که برابر قدرت تزار ایستادگی می‌کردند نیز منکوب گردیده بودند و در دنباله خط زنجیر سر کوبی آزادیخواهان ملت‌های استعمارزده، همه قدرتهای بزرگ سلطه‌گری به فرو کوفتن انقلاب ایران پرداختند ولی انقلاب ایران از پا نیفتاد.

در آغاز تبریز قیام کرد و جانانه جنگید. جنگ حدود یکسال طول کشید. پس از تبریز دیگر ناحیه‌های ایران سر بر افراشتند. داستان نبرد تبریزیان در جهان طنین افکند. همه خبرهای

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی

خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

حفظ حیثیت ذاتی بشر درگر امیدداشت آزادی‌های فردی و اجتماعی است

از خبرهای هفته

استخراج نفت از منابع ایران توسط دولت بعثی عراق

در خبرها آمده بود که دولت بعثی عراق علیرغم موافقتنامه‌های بین‌المللی چاههای نفت خود را در فاصله ۸۰۰ متری چاههای نفت ایران حفر کرده است و باین ترتیب روزانه یک میلیون بشکه از نفت ما را استخراج میکند.

یکی از مسئولان سپاه پاسداران ایلام در گفتگویی با خبرنگار کیهان پس از طرح این موضوع، اضافه کرده است «برای مقابله با این تجاوز نیاز به حفر چاههای جدید نفتی داریم که مستلزم هزینه فراوان و داشتن متعدهای حفاری بسیار پیچیده و لوازم مدرن است و در حال حاضر هیچیک از این امکانات در اختیار ما نیست».

تا آنجا که ما اطلاع داریم ایران دارای بهترین و مدرن‌ترین وسایل برای استخراج و تصفیه نفت می‌باشد و دلیل آن حفر چاههای متعدد نفت در جنوب و غرب کشور است.

آنچه که در این میان کسر داریم برنامه‌ریزی صحیح و کار بدست‌اندلس است تا با یک حرکت سریع و انقلابی اجازه ندهند بیش از این دولت بعثی عراق سرمایه ملی ما را به یغما برد.

تجاوز وحشیانه پلیس آمریکا

ماچه می‌خواهند، جوانان ایرانی چه کرده‌اند که دارندگان زور، این چنین به خشم و کین آمده‌اند.

این جوانان پاکنهاد، هیچ خلاقی نداشته‌اند، آنها فقط به انقلاب اسلامی ملت ایران و به یکتا رهبران ادای احترام کرده‌اند و به هم میهنان خود همبستگی نشان داده‌اند. ولی همین کار برامپریالیسم آمریکا، گران می‌آید زیرا که درپس آن، از میان رفتن زمینه یغماهای خود را می‌بینند و خشک شدن چشمه‌های جوشان نفت و از رونق افتادن بازارهای صادراتی را درمی‌یابند، امریکای غارتگر درپایداری و پرخاش جوانان ایرانی، سست شدن پایه‌های قدرت خود و پایان یافتن سلطه و سر آمدن روزگار برتری راحس می‌کند.

هستی امپریالیسم آمریکا با آزادی سازگار نمی‌باشد. بانگ آزادی، ناقوس مرگ این امپریالیسم انسان شکار است. از اینرو امپریالیسم آمریکا با هر چه نشان از آزادی دارد کینه می‌ورزد، کینه‌ای رام نشدنی.

انقلاب اسلامی ملت ایران تاکنون ضربه‌های جانگداز برپیکر امپریالیسم آمریکا وارد کرده است و باید درآینده هم بی‌هیچ هراسی ضربه‌های کاری تر برآن وارد آورد تا دست کم بساط یغمای خود را از این ناحیه جهان که میهن ما در آن قرار گرفته برچینند.

باید هر چه زودتر جاسوسان بازداشت شده رایبه دادرسی کشاند و جنایتهای بسیار این ابرقدرت سلطه گر را در ایران بر همه جهانیان آشکار کرد و از اینراه پاسخی شایسته به تهاجم‌های تازه امپریالیسم آمریکا داد.

سه شنبه آینده روز عید سعید فطر و تعطیل همگانی است از اینرو نامه آرمان ملت انتشار نخواهد یافت.

شماره بعدی را روز سه شنبه بیست و هشتم امرداد ماه بخوانید.

پیام امام خمینی پیرامون روز قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها، به حملات و حشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده و بویژه در جنوب لبنان بقصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمین جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و میتواند تعیین کننده سر نوشت مردم فلسطین نیز باشد، بعنوان روز «قدس» انتخاب و طی مراسمی، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین، اعلام نمایند. از خداوند متعال، پیروزی مسلمان را بر اهل کفره خواستارم و السلام علیکم و رحمت الله و بر کاته روح الله الموسوی الخميني

این پیام در روز هفدهم امردادماه سال ۱۳۵۸ خورشیدی برابر با چهاردهم رمضان ۱۳۹۹ هجری قمری انتشار یافت.

پیام یاسر عرفات به مناسبت روز قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخميني دام ظلّه العالی

سلام خدا بر شما و رحمته و بر کاته خدا راستای می‌کنم که ما را با ایمان هدایت کرده و به افتخار جهاد در راهش مفتخر ساخته، دل‌هایمان را وحدت بخشیده و در پرتو رحمت خود برادران گردانید و امکان عمل بر اساس تقوی بما عنایت کرد. پیام گرمی شما به مسلمانان را درباره بیت‌المقدس دریافت کردیم و مژده خیر وافر را در ماه رمضان ماه نزول قرآن و هدایت مسلمانان و دلایل هدایت و فرقان شنیدیم. و در این مرحله حساس که انقلاب فلسطین بانبروهای شرد گیر است با همبستگی میان برادران مومن حمایت مهمی را احساس می‌کنیم. در این مرحله دشوار تاریخی که منطقه خاورمیانه و ملت عرب در سایه مشکلات قرار دارد مانتلاشهای شما را در راه آزادی بیت‌المقدس و فلسطین گرمی داشته و از خداوند قادر متعال مسئلت داریم شما را حفظ کرده و گامهای ما را در راه خیر مسلمین و سر بلندی اسلام استوار سازد و در راه حق رهنمون شده و در راه جهاد ثابت قدم نماید.

والسلام علیکم و رحمت الله و بر کاته
انقلاب تاپیروزی
- این پیام در روز بیست و یکم امردادماه ۱۳۵۸ خورشیدی برابر با هجدهم رمضان ۱۳۹۹ انتشار یافت.

روز قدس در یک نگاه!

تولدتش می‌کنم و زرتو پاری می‌جویم.

پاییده لیرلر

بزرگداشت روز قدس

یکی از سرزمین‌های به زیر سلطه بیگانه کشیده شده، فلسطین می‌باشد که زندگی مردم آن در چند دهه گذشته با دردناکی بیمانندی همراه بوده است. سالیان درازی گذرد که مردم دلی فلسطین به رگم دسیسه برای باز پس گرفتن میهن خود از اشغالگران اسرائیلی می‌جنگد.

ملت ایران که در فراز و نشیب تاریخ خویش، بارها طعم تلخ اشغال، تجزیه و ناپسا منتهای فرهنگی را چشیده است، از همان آغاز به ثمر رسیدن توطئه ابرقدرتها و اشغال فلسطین به پشتیبانی از مردم آواره شده این سرزمین پلا کشیده برخاست و واژگونی دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه و پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران که بعد جهانگستر دارد فرصتی ارزنده برای کمک دادن به یکبارگرا فلسطینی پدید آورد.

امام خمینی سال گذشته به نشان «همبستگی بین‌المللی مسلمانان در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین» واپسین جمعه ماه مبارک رمضان را «روز قدس» اعلام کرد و این تصمیم انقلابی در میان ملت‌های مسلمان بازتاب شکوهمندی پیدا کرد و درخشش امیدهای گمشده بار دیگر زندگی ناپسا مان مردم فلسطین را روشنی بخشید.

در سال کنونی «روز قدس» بهنگامی فرا میرسد که دولت نژاد گرای اسرائیل «بیت‌المقدس» را پایتخت همیشگی خویش خوانده است. بزرگداشت «روز قدس» و به نمایش گذاردن همبستگی خلل ناپذیر ملت‌های مسلمان در پشتیبانی از مردم فلسطین، شایسته‌ترین واکنش است در برابر این گستاخی اشغالگران اسرائیلی.

حزب ملت ایران که همواره با هر گونه سلطه‌گری ستیزه کرده است از همه ی زنان و مردان از همه ی گروه‌های اجتماعی، از همه ی حزب‌های وفادار به انقلاب می‌خواهد که به دعوت «ستاد برگزاری روز قدس» پاسخ دهند و در آئین‌ها و راهپیمائی‌های پیش‌بینی شده در سراسر کشور شرکت جویند. باشد که سال آینده، سال گسستن زنجیرهای سلطه بیگانه از پای مردم فلسطین گردد، سالی که «بیت‌المقدس» چهره اسلامی خود را جاودانه باز یابد.

دوازدهم امردادماه ۱۳۵۹
دبیرخانه حزب ملت ایران

از نوشتارهای رسیده

صدور سرمایه

از آقای جمشید اسدی نوشتاری در باره صدور سرمایه به دفتر نامه آرمان ملت رسیده است.

این نوشتار ارج بسیار می‌دارد و با دقت و آگاهی تهیه شده و با هوشمندی بسیار تنظیم و فصل‌بندی گردیده است.

نوشتار ایشان در چهار زمینه اساسی است از اینقرار: چگونگی صدور سرمایه، صدور سرمایه و روابط بین‌المللی، صدور سرمایه به ایران و سرانجام راه‌های صادره سرمایه‌های خارجی.

در بخش چگونگی صدور سرمایه، می‌خوانیم که: ویژگی سرمایه‌داری نوین، صدور سرمایه است و ضرورت صدور سرمایه ناشی از کاهش نرخ سود است.

در بخش صدور سرمایه و روابط بین‌المللی می‌خوانیم که: ایالات متحده آمریکا بوسیله صدور سرمایه هر چه بیشتر ثروت مند می‌شود و از مبادلات نابرابر منتفع می‌گردد و از طریق دامپینگ و فروش محصولات اضافی خود بحران صادر می‌کند

و روسیه تحت عنوان «کمک» وام‌های بزرگ با بهره‌های سرسام‌آوری را تحمیل می‌کند و نیز بوسیله مبادلات نابرابر به استثمار سایر کشورها می‌پردازد.

در بخش صدور سرمایه به ایران می‌خوانیم که: سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خارجی در اغلب صنایع به این منظور بوده است که به نحوی تولیدات ایران را به یکی از انحصارات جهانی وابسته گردانند ریشه گرفتن سرطانی سرمایه‌های خارجی در بانک‌های مختلف ایران، دستیابی اینگونه سرمایه‌ها را به حوزه‌های بهاصطلاح ملی تا سرحد امکان سهل و آسان می‌نمود.

و سرانجام در بخش صادره سرمایه‌های خارجی در شرایط کنونی ایران می‌خوانیم که: قبل از هر چیز باید روشن گردانیم که آن سرمایه‌ای که می‌بایست صادره شود، چگونه است. چه، با استحال‌های استثمار کهن به استثمار نو (امپریالیسم)، شکل وجودی این سرمایه خارجی نیز دگرگون شد. این بار سرمایه در جستجوی راهی بود تا بلکه بتواند از طریق کانالها و افراد بومی به اهداف خود برسد. چرا که آگاهی خلق‌ها از تداوم استثمار و حرکت‌های آن، بقای استثمار به شکل کهن را ناممکن گردانیده بود.

آرمان ملت: با ابراز تشکر از نوشتاری که برای ما فرستاده‌اند و با تاکید بر ارج بسیار نوشتار ایشان، به لحاظ اندک بودن صفحه‌ها و ستون‌های روزنامه فرصت و امکان آن نیست که همه نوشتار پراج ایشان را یکجا چاپ کنیم. ولی از ایشان دعوت

نمایم که در فرصت مناسب به دفتر نامه آرمان ملت بیایند تا ضمن آشنائی حضوری برای چاپ نوشتارهای ایشان ترتیب لازم داده شود.

● ● ●
مرا به خیر تو امید نیست
شر مرسان

بلاخره وزارت بهداشت و بهزیستی که بحمدالله وسیله افرادی مکتبی اداره می‌شود به راه حل برای رفع کمبود دارو رسید.

وزارت بهداشت و بهزیستی دستور داد که پزشکان در دفترچه بیمه بیمار فقط برای هفت روز دارو تجویز نمایند. باتوجه به اینکه در مورد بیماران بیمه نشده که بیشتر اشخاص پولدار هستند که یابیمه خدمات درمانی ندارند و یا اگر دارند بخاطر دریافت خدمات بهتر و بیشتر و بی‌دردتر از آن استفاده نمی‌کنند این دستور تأثیری ندارد، باید دید تأثیر این دستور روی بیماران بیمه شده که از افراد با درآمد متوسط و یا کم درآمد جامعه هستند چیست؟

۱- مراجعات مکرر هفته‌ای یکبار به داروخانه صرف دوساعت وقت در ایاب و ذهاب و یکساعت در داروخانه بشرط آنکه داروخانه داروها راداشته باشد و گرنه به عبارتی می‌توان هفته‌ای یکبار سرگردانی برای بیمار.

۲- مراجعات مکرر به پزشک صرف وقت در ایاب و ذهاب و معطلی در مطب پزشکان

۳- پرداخت مکرر فرانشیز داروخانه‌ها و پزشکان و هزینه وسائل نقلیه.

۴- بالاتر رفتن درآمد پزشکان از محل بر سرگه زرد دفترچه‌های بیمه خدمات درمانی از محل مراجعه هفته‌ای یکبار به آنها.

۵- باتوجه به آنکه در مورد بیماریهای جزئی مانند اسهال و استفراغ و گلو درد چرکی، بیماریهای انگلی سرماخوردگی و مانند آن بهر صورت برای چند روز بیشتر دارو تجویز نمی‌شود در نتیجه این دستور نافذ و ناظر بر بیماریهای مانند بیماری قند- ازدیاد فشار خون- نارسائی کلیه- نارسائی قلب- نقرس- سنگ کلیه نارسائی ریه بعضی از انواع کم خونی و بسیاری بیماریهای دیگر که باید برای تمام عمر دارو مصرف نمایند می‌باشد لذا بجای آنکه بیمار سالی یا هر چند ماه یکبار به پزشک مراجعه نماید باید هفته‌ای یکبار به پزشک مراجعه نماید و در نتیجه درآمد پزشکان پنجاه و دوبار افزایش می‌یابد و هزینه درمندان نیز پنجاه و دو بار افزایش خواهد یافت.

که این هر دو به زیان مردم و جامعه است و در نهایت به انقلاب اسلامی ملت ایران از طریق ناراضی تراشی صدمه خواهد زد.

به اشغال مرکزهای حزبها و سازمانهای سیاسی پایان دهید.